



بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

مدیریت کل نظارت بر بانکها و موسسات اعتباری

«اداره مطالعات و مقررات بانکی»

متدولوژی اصول ۲۵ گانه

نظارت بانکی موثر

از انتشارات کمیته نظارت بر بانکداری بال

بانک تسویه بین‌المللی

(اکتبر ۱۹۹۹)

ترجمه: حمیدرضا غنی آبادی

گروه مطالعاتی بانکی و اعتباری

آبان ۱۳۸۵

فهرست مطالب

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱	خلاصه گزارش مدیریتی
۴	فصل اول: مقدمه
۴	- اهداف اصول ۲۵ گانه برای نظارت بانکی موثر
۴	- تأیید اصول ۲۵ گانه توسط جامعه بین الملل
۵	- فشارهای بین المللی برای اجرای سریع اصول ۲۵ گانه نظارت بانکی موثر
۷	- ارزیابی اولیه از میزان تطبیق با اصول ۲۵ گانه نظارت بانکی موثر
۸	- ضرورت تدوین یک متدولوژی واحد برای ارزیابی
۸	- استفاده از متدولوژی
۱۰	- پیش شرطهای اجرای نظارت بانکی موثر
۱۳	- فصل دوم: ملاحظات پیرامون انجام یک ارزیابی
۱۶	- فصل سوم: معیارهایی برای ارزیابی میزان تطبیق با اصول ۲۵ گانه

پیوست:

۷۱	بین‌المللی پول و بانک جهانی	-
۷۱	مقدمه	-
۷۱	ارزیابی اصل به اصل	-
۷۷	متن اصلی	-
۸۲	واکنش نظارتی	-
۸۲	خلاصه گزارش مدیریتی	-
۸۴	ماخذ	-

«بسمه تعالی»

روش‌شناسی اصول ۲۵ گانه نظارت بانکی موثر

«خلاصه گزارش مدیریتی»

- ۱- اصول ۲۵ گانه نظارت بانکی موثر به عنوان مهم‌ترین استاندارد جهانی برای کنترل و نظارت احتیاطی به شمار می‌آید. اکثریت قابل توجهی از کشورها این اصول را تأیید نموده و عزم خود را برای به کارگیری آن‌ها اعلام داشته‌اند. در نخستین گام برای اجرای کامل آن اصول، بایستی ارزیابی دقیقی از قابلیت انطباق هر کشور با اصول مزبور انجام شود. این ارزیابی، ضعف‌ها و کاستی‌های سیستم فعلی کنترل و نظارت را شناسایی نموده و مبنایی را برای سنجش‌های مفید و موثر مقامات دولتی و ناظران بانکی فراهم می‌سازد. این ارزیابی‌ها عموماً به وسیله خود کشورها یا طرف‌های ثالث انجام می‌شود.
- ۲- کمیته بال در خصوص نظارت بانکی بر آن است چنین ارزیابی‌هایی را به دلیل فقدان منابع انجام ندهد. لیکن، برای کمک به این مهم به طرق دیگر نظیر مشاوره و آموزش اعلام آمادگی نموده است. اعضای کمیته هم چنین می‌توانند به صورت مستقل در ارزیابی مأموریت و هدف‌گایی که توسط مراجع ثالث نظیر صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، بانک‌های توسعه منطقه‌ای، سازمان‌های نظارتی منطقه‌ای و مشاوران خصوصی انجام می‌شود، مشارکت نمایند. به علاوه، امکان حسابرسی مجدد نیز وجود دارد. بدین ترتیب که کارشناسان نظارتی یک کشور، کشور دیگری را ارزیابی کنند و بالعکس.

۳- به منظور این که ارزیابی‌ها، عینی و تا حد ممکن یکسان باشند، ضروری است استانداردهای هماهنگی برای اجرای اصول ۲۵ گانه تدوین گردد. تجربه نشان داده است که این اصول می‌توانند به گونه‌ای کاملاً متمایز تفسیر شوند. این تفاسیر ناصحیح ممکن است به عدم ثبات میان ارزیابی‌ها منجر شود.

۴- با عنایت به این مهم، کمیته بال در جلسه اکتبر ۱۹۹۸ در صدد برآمد سندی را برای استفاده در ارزیابی‌های تطبیقی تهیه نماید. پیش‌نویس آن توسط کار گروه موقتی متشکل از نمایندگان از موسسات عضو کمیته بال، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی تنظیم شد. به علاوه هنگام تنظیم پیش‌نویس، با گروه رابط اصول ۲۵ گانه متشکل از ناظران ارشد کشورهای عضو و غیر عضو G10 و بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول مشورت گردید.

۵- سند حاضر دارای ساختاری به این شرح است: در فصل نخست پیشینه‌ای از اصول ۲۵ گانه مورد اشاره قرار گرفته و بر ضرورت اجرای به هنگام و موثر آن تاکید شده است. هم‌چنین، شرایطی که انجام ارزیابی‌ها را ضروری می‌سازد و مقدماتی که هنگام ارزیابی‌ها بایستی برای نظارت بانکی موثر مورد توجه قرار گیرند، تبیین می‌شود.

۶- در فصل دوم، به ملاحظات اساسی که باید درخصوص انجام ارزیابی‌ها و تفسیر و اعلام نتایج مورد نظر قرار گیرند، پرداخته می‌شود. خاطر نشان می‌سازد که ارزیاب بایستی ضمن رعایت قانون الزام حفظ اطلاعات محرمانه، به کلیه اطلاعات مورد نیاز و نیز طیف وسیعی از سازمان‌ها و کارشناسان دسترسی داشته باشد. این فصل بر این مهم تاکید دارد که ارزیاب بایستی مجموعه‌ای از اطلاعات مرتبط شامل؛ قوانین، مقررات احتیاطی، دستورالعمل‌های نظارتی، بازرسی‌های حضوری و تجزیه و تحلیل‌های نظارت غیر حضوری، شیوه ارائه گزارش‌های نظارتی و نحوه افشای اطلاعات به عموم و وجود شواهدی برای اجرا یا عدم اجرای آن‌ها را در نظر گیرد. هم‌چنین در این فصل بر اهمیت موسسه نظارتی از نقطه نظر برخورداری از مهارت‌های ضروری، منابع و تعهدات برای اجرای اصول ۲۵ گانه تاکید می‌شود.

۷- در فصل سوم هریک از اصول ۲۵ گانه به تفصیل مورد بحث قرار گرفته و به منظور تطبیق، کلیه معیارهای اساسی مرتبط فهرست می‌شوند. این معیارها مشتمل بر دو گروه هستند: "معیارهای ضروری" و "معیارهای تکمیلی". معیارهای ضروری عبارت از عناصری هستند که به منظور انجام نظارت موثر بایستی در کشورهای مختلف وجود داشته باشند. در مقابل، معیارهای تکمیلی به عناصری اطلاق می‌شود که موجب تقویت بیشتر نظارت شده و تمامی کشورها باید برای به کارگیری آنها تلاش نمایند. معیارهای ضروری و هم چنین تا حد قابل ملاحظه‌ای معیارهای تکمیلی، از سند اصول ۲۵ گانه (سپتامبر ۱۹۹۷) و مقالات کمیته بال منتج شده‌اند. کارگروه تلاش کرده با خودداری از طرح مفاهیم یا تفاسیر اضافی، مفاهیم جدید را نقض نکند. گرچه در برخی مواقع به ویژه در خصوص معیارهای تکمیلی، نوع نگارش و یا محتوا ممکن است صریح‌تر یا تفصیلی‌تر از اسناد قدیمی باشد.

۸- برای نیل به تطبیق کامل با یک اصل، عموماً بایستی معیارهای ضروری بدون هرگونه کاستی و نقصی تحقق یابند. البته مواردی وجود دارد که کشوری به روش‌های مختلف توانسته اصول ۲۵ گانه را عملی کند. بالعکس، به دلیل شرایط ویژه در برخی کشورها، ممکن است معیارهای ضروری همیشه برای نیل به اصول کافی نباشند. از این‌رو، معیارهای تکمیلی و یا معیارهای دیگری نیز برای یک نظارت بانکی موثر مورد نیاز خواهد بود.

۹- به عنوان مثال، کمیته بال در قالب یک ضمیمه از روشی مدون که توسط صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی برای انجام ارزیابی‌هایشان پیرامون وضعیت اجرای اصول ۲۵ گانه در کشورهای مختلف استفاده می‌شود، برخوردار است.

۱۰- کمیته به تنظیم و تدوین این سند به عنوان فرآیندی تکرارپذیر می‌نگرد. از این رو اصلاحات و تعدیلاتی که حسب تجربه حاصل می‌شود در آن اعمال می‌گردد. هم چنین توسعه استانداردها و رویه‌های نظارتی و کنترلی منجر به بازنگری‌ها و افزودن ضمایمی به آن خواهد گردید. بدین ترتیب همواره نیاز به اسنادی وجود دارد که به طور دوره‌ای به هنگام شوند.

فصل اول: مقدمه

اهداف اصول ۲۵ گانه برای نظارت بانکی موثر

۱۱- اصول ۲۵ گانه برای نظارت بانکی موثر که توسط کمیته بال با موضوع نظارت بانکی و طی همکاری با نظار و بازرسانی از کشورهای گروه G10 تدوین شد، الگویی را به جامعه مالی بین‌المللی عرضه نمود که براساس آن اثربخشی نظام‌های نظارتی بانکی می‌تواند مورد ارزیابی قرار گیرد.

۱۲- ضرورت تقویت نظارت بر بانک‌ها، به ویژه از زمانی که ضعف سیستم بانکی دلیل اصلی بحران‌های مالی در بسیاری از کشورها طی دهه گذشته شناخته شد، به عنوان اولویتی اساسی مورد تاکید قرار گرفته است. از آنجا که بحران‌های بانکی اخیر در بسیاری از کشورها، اعم از کشورهای دارای اقتصاد توسعه یافته و یا نوظهور و رو به رشد به وقوع پیوسته، نظارت بر سیستم‌های بانکی هم از اهمیتی افزون‌تر برخوردار شده و ناظران و بازرسان نیز با چالش‌های بیشتری مواجه گردیده‌اند. از این‌رو و به منظور به حداقل رساندن ریسک تسری مشکلات، به هر دو گروه کشورهای توسعه یافته و در حال رشد قویاً توصیه شده که روش‌های نظارتی مناسب را پذیرفته و آن را به طور موثر اجرا نمایند.

تأیید اصول ۲۵ گانه توسط جامعه بین‌الملل:

۱۳- اصول ۲۵ گانه در سپتامبر ۱۹۹۷ توسط کمیته بال تدوین شد و سپس به وسیله جامعه مالی بین‌المللی طی اجلاس سالیانه صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی در هنگ کنگ در اکتبر همان سال تایید گردید. گزارش گروه تحقیق ثبات مالی در نظام‌های اقتصادی نوظهور مبتنی بر بازار، اصول ۲۵ گانه را تأیید نمود. به علاوه این گروه از صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی درخواست کرد تا

نقشی کلیدی در اجرای آن ایفا نمایند. در اکتبر ۱۹۹۸، گروهی متشکل از ۲۲ کشور گزارش‌هایی در خصوص ساختار مالی بین‌المللی منتشر نمودند. آن‌ها در گزارش‌هایشان در رابطه با تقویت سیستم‌های مالی، چندین مجموعه از اصول پذیرفته شده بین‌المللی شامل اصول ۲۵ گانه را مورد تأیید قرار داده و بر اهمیت اجرای به موقع آن‌ها تأکید کردند. کنفرانس بین‌المللی ناظران بانکی در سیدنی نیز اصول ۲۵ گانه را مورد تأیید قرار داد و متعهد گردید برای اجرای آن‌ها به کمک‌های خود ادامه دهد. هم‌چنین در این کنفرانس درخواست شد رهنمودهای جامع‌تری نسبت به کمیته بال ارائه شود. این درخواست منتج به سند حاضر شده است.

فشارهای بین‌المللی برای اجرای سریع اصول ۲۵ گانه نظارت بانکی موثر

۱۴- با افزایش نگرانی‌ها درباره ثبات بخش مالی، جامعه ناظران بین‌المللی برای حصول اطمینان از وجود نظارتی موثر بر بانک‌ها تحت فشار قرار گرفته است. به ویژه، این مهم در افزایش تقاضاهای بین‌المللی از کشورها برای اجرای اصول ۲۵ گانه تبلور یافته است.

۱۵- کمیته بال بر این باور است که اصلاحات مالی و نظارت بانکی مناسب‌تر مستلزم صرف تلاش‌های فراوان و گسترده طی دوره‌ای بلندمدت است. ولیکن، آن چه اهمیت دارد این است که مقامات نظارتی ملی مراحل ذیل را به سرعت طی نمایند:

- (I) شناخت نقاط ضعف سیستم نظارتی؛
- (II) پرداختن به مهم‌ترین نقاط ضعف؛
- (III) درخواست از مقامات دولتی برای حمایت کامل از معیارهای ضروری به منظور تقویت ثبات بخش مالی شامل اجرای اصول ۲۵ گانه؛

۱۶- کمیته بال به عنوان تدوین‌کننده استانداردها در تفسیر اصول ۲۵ گانه جاری بسیار فعال است. به علاوه، برنامه‌های آموزشی برای بازرسان در سراسر دنیا

ارائه داده و ضوابط و شیوه‌های اجرایی دقیق را ترویج می‌کند. هم چنین به منظور حصول اطمینان از این که اصول ۲۵ گانه نه تنها جامع و مانع هستند بلکه برای همه کشورهای که تمایل به به کارگیری آن‌ها را دارند مفید و مرتبط می‌باشد، کمیته می‌تواند اصلاحات بیشتری در آن اصول اعمال نماید. در رابطه با تفسیر یا تعدیل اصول ۲۵ گانه، کمیته بال همکاری و تعامل بسیار نزدیکی با گروه کشورهای غیرعضو G10 و هم چنین صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی از طریق گروه رابط اصول ۲۵ گانه دارد.

۱۷- صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی هر دو نقشی بسیار فعال در فرآیند اجرا خواهند داشت. در رابطه با رهنمودهای نظارتی، صندوق بین‌المللی پول کشورهای عضو را برای تطبیق با اصول ۲۵ گانه تشویق می‌کند و به آن‌ها حسب مورد یا براساس اولویت در ارزیابی تطبیقی کمک می‌کند. بانک جهانی نیز حین فعالیت‌های متعارف خود، کشورهای متقاضی را به اجرای اصول ۲۵ گانه ترغیب نموده و هم چنین به آن‌ها کمک می‌کند تا چارچوب نظارتی خود را نسبت به این اصول ارزیابی نمایند. بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در صدد یافتن کشورهایی هستند که نقاط ضعف شناسایی شده خود را در رژیم‌های نظارتی و کنترلی بهبود بخشیده و به آن‌ها برای پرداختن به چنین نقاط ضعفی حسب اولویت، کمک‌های فنی و آموزشی ارائه می‌دهند. برای برآوردن تقاضاهای روز افزون در بخش مالی، هر دو موسسه نسبت به جذب متخصصان مالی و افزایش تعداد کارکنان خود اقدام نموده‌اند.

۱۸- کمیته بال، گروه هماهنگی اصول ۲۵ گانه، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی به دلایل ذیل از ارتباطی مستمر برخوردارند:

(I) هماهنگ نمودن ابتکارات، به گونه‌ای که اهداف مشترک در این زمینه بتواند برآورده شود.

(II) حصول اطمینان از این که منابع انسانی متخصص کمیاب به بهترین شیوه ممکن مورد استفاده قرار می‌گیرند.

با در نظر گرفتن هدف چالش برانگیز تقویت نظارت بانکی در سطح جهانی و کمیابی منابع مورد نیاز برای انجام آن، گروه‌های فوق‌الذکر کاملاً آگاهند که هماهنگی نزدیک بین آن‌ها برای انجام فعالیت‌های مربوط ضرورت دارد. به علاوه، این سازمان‌ها از منابع موجودی که توسط ناظران فراهم گردیده به عنوان ابزاری برای کمک به کشورهای که به منظور ارزیابی سیستم‌های نظارتی‌شان براساس اصول ۲۵ گانه متقاضی دانش فنی هستند، بهره می‌گیرند.

ارزیابی‌های اولیه از میزان تطبیق با اصول ۲۵ گانه نظارت بانکی موثر

۱۹- با وجود این که فرآیند اجرا و به کارگیری اصول ۲۵ گانه با ارزیابی تطبیقی آغاز می‌شود، لیکن ارزیابی، ابزاری برای نیل به هدف بوده و خود هدف نهایی محسوب نمی‌شود. در مقابل، ارزیابی این امکان را برای مقام نظارتی (در برخی موارد دولت) فراهم می‌سازد تا حسب ضرورت، استراتژی را برای بهبود سیستم نظارت بانکی به اجرا در آورد. ارزیابی‌های تطبیقی قبلاً در چندین موقعیت مختلف به اجرا در آمده است.

۲۰- کمیته بال در آوریل ۱۹۹۸، مطالعه‌ای را در خصوص تطبیق اصول ۲۵ گانه با هدف گردآوری اطلاعاتی برای بررسی در کنفرانس بین‌المللی ناظران بانکی در سیدنی که در اکتبر همان سال برگزار گردید، انجام داد. کمیته پرسش‌نامه‌ای را میان حدود ۱۴۰ کشور توزیع و از ناظران آن کشورها خواست که ارزیابی بسیار دقیقی از سیستم‌های نظارتی‌شان به منظور تعیین حدودی که اصول ۲۵ گانه در آنها به کار گرفته شده انجام دهند. بیش از ۱۲۰ کشور اطلاعات مورد نظر را به کمیته ارائه دادند، اما کیفیت پاسخ‌ها ناموزون بود.

۲۱- هم‌زمان، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی بررسی تطبیق با اصول ۲۵ گانه را در چندین کشور براساس تقاضای خودشان آغاز نمودند. با انجام این ارزیابی‌ها، برای نخستین بار فرصتی برای بررسی قابلیت اجرا، رسایی و کفایت اصول ۲۵ گانه و هم‌چنین میزانی که یک ارزیاب مستقل می‌تواند با استفاده از آن به دیدگاهی در خصوص تطبیق دست یابد، فراهم شد.

۲۲- بررسی‌های مقدماتی تطبیق که هم از طریق فرآیند خود ارزیابی و هم توسط مراجع ثالث انجام گردید، به صراحت ضرورت تدوین روش‌شناسی ارزیابی هماهنگ و نظام‌مند را به اثبات رساند.

ضرورت تدوین یک متدولوژی واحد برای ارزیابی

۲۳- اصول ۲۵ گانه به منظور ارائه رهنمودهای کلی که در رژیم‌های نظارتی مختلف قابلیت اجرا داشته باشد، طراحی شده است. این اصول امکان انعطاف‌پذیری بیشتری را در طراحی و به کارگیری مقایسه‌های عینی فراهم می‌سازد. چرا که کمیته بال از این که مقامات نظارتی ملی ممکن است تفاسیر و برداشت نادرستی از اصول ۲۵ گانه داشته باشند، آگاه است. ضمناً، ارزیابی تطبیقی با اصول ۲۵ گانه توسط مراجع مختلف ذیربط (نظیر صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، گروه‌های نظارتی منطقه‌ای، بانک‌های توسعه منطقه‌ای، شرکت‌های مشاوره‌ای) ممکن است منتج به تفاسیر مختلف و توصیه‌های متفاوت گردند. گرچه نتایج ارزیابی‌ها ممکن است به صورت عمومی اعلام نشود، لیکن این که ارزیابی‌ها بایستی در تمام کشورها به صورت ثابت انجام پذیرد از اهمیتی بسیار برخوردار است.

۲۴- به منظور دستیابی به ثبات لازم، کمیته بال متعهد به توسعه متدولوژی برای اجرای ارزیابی متضمن معیارهای تفصیلی برای تعیین میزان تطبیق شده است. این متدولوژی نیاز ناظران و ارزیابان به استفاده از قضاوت‌های شخصی در فرآیند ارزیابی تطبیقی را حذف نخواهد کرد.

استفاده از متدولوژی

۲۵- متدولوژی می‌تواند به گونه‌های مختلفی استفاده شود:

i. خود - ارزیابی که توسط ناظران بانکی اجرا می‌شود.

- ii. بررسی‌های واحد که به عنوان مثال درون گروه‌های منطقه‌ای از ناظران بانکی انجام می‌گیرد.
- iii. بررسی‌ها و مطالعاتی که توسط اشخاص ثالث نظیر شرکت‌های مشاوره‌ای صورت می‌پذیرد.
- iv. بررسی‌هایی که حین نظارت‌های صندوق بین‌المللی پول و فرآیندهای وام‌دهی بانک جهانی انجام می‌شود.

۲۶- قطع نظر از گونه‌های فوق، موارد ذیل بسیار پر اهمیت تلقی می‌گردند:

- به رغم مزایای یک فرآیند خود ارزیابی، از نقطه نظر تحقق کامل اهداف، تطبیق با اصول ۲۵ گانه توسط گروه‌های ثالث واجد شرایط متشکل از حداقل دو ناظر با دیدگاه‌های متفاوت، برای کنترل و ایجاد تعادل، نتایج مطلوب‌تری در بر خواهد داشت.
- ارزیابی منصفانه از فرآیند نظارت بانکی نمی‌تواند بدون همکاری صادقانه همه مراجع مرتبط تحقق یابد.
- ارزیابی فرآیند نظارت بانکی توسط افراد غیرکارشناس می‌تواند نتایج گمراه کننده‌ای را در پی داشته باشد. حتی اگر این ارزیابی براساس تفصیلی‌ترین چک لیست‌ها انجام شده باشد. فرآیند ارزیابی کلیه اصول ۲۵ گانه مستلزم داوری موزون در مورد عناصر متعددی است که صرفاً ارزیابان واجد شرایط با تخصص مرتبط و دارای تجربه اجرایی می‌توانند آن را به انجام رسانند.
- به منظور تفسیر تطبیق با اصول ۲۵ گانه ممکن است ارزیابی به تخصص حقوقی نیز نیاز داشته باشد. این قبیل تفاسیر حقوقی بایستی در ارتباط با ساختار قانون کشور مربوط انجام شود. به علاوه، آن‌ها می‌توانند به توصیه و مشاوره کارشناسان حقوقی

دیگری که می‌توانند از این پس در ارزیابی‌های حضوری مشارکت نمایند، نیاز پیدا کنند.

- ارزیابی‌ها بایستی از عمق کافی برخوردار بوده به گونه‌ای که امکان قضاوت در خصوص قابلیت اجرای معیارها را در عمل و نه فقط در مفهوم فراهم سازند. قوانین و مقررات بایستی به نحو موثر اجرا و تطبیق داده شوند. صرف وجود این قبیل موضوعات، شاخصی را که تعیین کننده میزان برآورده شدن معیارهاست، ارائه نمی‌کند.

پیش شرط‌های اجرای نظارت بانکی موثر

۲۷- کمیته بال دریافت کرده است که نظارت بانکی موثر مستلزم وجود مجموعه‌ای از پیش شرط‌ها است*. به رغم این که این پیش شرط‌ها عمدتاً خارج از کنترل مقامات نظارتی می‌باشند، لیکن کاستی‌های موجود در این زمینه‌ها ممکن است به طور قابل ملاحظه‌ای توانایی مقام نظارتی برای اجرای موثر اصول ۲۵ گانه را تضعیف نماید. از این رو، ارزیابان بایستی از تحقق این پیش شرط‌ها اطمینان حاصل نمایند. هم چنین ضروری است مشکلات بالقوه‌ای که ضعف‌های مذکور منشاء آن‌ها بوده و تلاش‌هایی که برای رفع آن ضعف‌ها مصروف می‌گردد، مورد بررسی قرار گیرد. همان گونه که ذیلاً نیز آمده است، پیش شرط‌ها در برگزیده گستره وسیعی شامل موارد ذیل است:

- (۱) سیاست‌های موثر و بلندمدت کلان اقتصادی؛
- (۲) زیرساخت‌های عمومی توسعه یافته؛
- (۳) انضباط موثر بازار**؛
- (۴) رویه‌هایی برای حل و فصل کارآی مشکلات و چالش‌های بانک‌ها؛

* برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: اصول ۲۵ گانه برای نظارت بانکی موثر، بخش دوم.

** effective market discipline

۵) ساز و کارهایی برای تامین سطح مناسبی از حفاظت نظام‌مند

(شبکه ایمنی عمومی*):

۲۸- محیط کلان اقتصادی و ثبات سیاست‌های کلان اقتصادی به دلیل تعامل دو سویه آن با سلامت بانک‌ها از موضوعات اصلی محسوب می‌شوند. در عین حال که فرآیند ارزیابی، بر کفایت فرآیندهای نظارت بانکی یک کشور متمرکز است، ارزیاب باید درصدد باشد نسبت به وجود آسیب‌ها و مخاطرات کلان اقتصادی که می‌توانند بر اثربخشی مقررات احتیاطی و ثبات سیستم مالی تأثیرگذار باشند، به رویکرد درستی دست یابد. از این‌رو، در ارزیابی میزان اثربخشی نظارت بانکی و تطبیق با اصول ۲۵ گانه، باید محیط کلان اقتصادی مدنظر قرار گیرد. در این رابطه، ملحوظ نظر داشتن ساختار بخش بانکی و محیط کلان اقتصادی که بانک‌ها در آن فعالیت می‌کنند، از اهمیتی دو چندان برخوردار است.

۲۹- زیر ساخت‌های عمومی می‌توانند تأثیر عمیقی بر ظرفیت و پتانسیل موجود برای تطبیق با اصول ۲۵ گانه داشته باشند. شاید مهم‌ترین نکته در این خصوص، وجود یک فرهنگ اعتباری مناسب نظیر محیطی که ایفای تعهدات و تقویت قراردادهای مالی را ترویج می‌کند، باشد. فرهنگ اعتباری باید با کمک پشتوانه کافی از قوانینی که گستره‌ای از مباحث مالی چون قراردادها، ورشکستگی، وثیقه و باز یافت تسهیلات را در بر می‌گیرد، نهادینه شود. لیکن صرف قوانین مناسب کافی نیست. آن‌ها باید توسط گروهی از وکلا و قضات حرفه‌ای مقید به اصول اخلاقی و یک سیستم قضایی موثر و معقول که تصمیماتش لازم‌الاجرا است، حمایت شوند. علاوه بر این، یک زیر ساخت مناسب مستلزم حداکثر انطباق استانداردهای حسابداری با بهترین شیوه‌های کاری بین‌المللی می‌باشد. به گونه‌ای که سرمایه‌گذاران و ناظران بتوانند شرایط مالی بانک‌ها را ارزیابی نمایند و بانک‌ها نیز قادر باشند سلامت موسساتی را که به آن‌ها وام می‌دهند، تحت نظر داشته باشند. داده‌های مالی صحیح به گروهی حرفه‌ای از حسابداران و

* public safety net

حسابرسان نیاز دارد. از دیگر ملاحظات کلیدی در ارزیابی زیرساخت‌های عمومی، میزان اثربخشی نظارت در دیگر بخش‌ها و بازارهای مالی و هم‌چنین مخاطرات مختص به سیستم پرداخت می‌باشد.

۳۰- انضباط موثر بازار، به شفافیت مالی و حاکمیت سهامی موثر بستگی دارد. البته، این فرآیند می‌تواند با فعالیت‌های دولت به منظور اثرگذاری بر تصمیمات تجاری به ویژه عملیات وام‌دهی تضعیف گردد. از این‌رو، هر نوع تأثیری که سیاست‌های دولت بر عملیات وام‌دهی داشته باشد، بایستی تا حد امکان آشکار و شفاف باشد. به این ترتیب که سیاست‌های دولت در این زمینه باید انتشار یافته و تضمین‌های دولتی به وضوح افشاء گردند.

۳۱- ناظران بایستی به منظور دستیابی به راه‌حل‌های موثر برای فائق آمدن بر مشکلات و مسایل بانکی به گستره کافی و انعطاف‌پذیری از رویه‌ها دست یابند. اصول ۲۵ گانه نیازمند برخورداری از اختیارات کافی از قبیل مسئولیت داشتن، توانمندی برای کمک، رفع نظام‌مند و فوری مشکلات و چالش‌های بانکی می‌باشد.

۳۲- حصول اطمینان از وجود یک پشتوانه (شبکه) تأمین‌ی دولتی مناسب نیز از ضروریات است. جنبه‌های اصلی این شبکه ممکن است وام‌دهنده به آخرین مرجع اعطای تسهیلات یا ترتیبات بیمه سپرده رسمی را شامل شود. تا هنگامی که بر روی حداقل استانداردها برای یک پشتوانه (شبکه) تأمین‌ی عمومی توافق حاصل نشود، نبود آن تأثیراتی را بر روش‌های نظارت بانکی خواهد داشت.

فصل دوم: ملاحظات پیرامون انجام یک ارزیابی

۳۳- مادامی که کمیته بال برای تدوین رهنمودهای تفصیلی حین فرآیند اجرا، تنظیم و ارائه گزارش‌های ارزیابی نقش ویژه‌ای نداشته باشد، ارزیابان باید هنگام انجام ارزیابی و تنظیم گزارش ارزیابی ملاحظاتی را در نظر گیرند. به علاوه، کمیته بال در حال تدوین سند الحاقی است که به عنوان مثال، فرمتی را برای استفاده در ارزیابی‌ها به صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی پیشنهاد می‌کند. دیگر ارزیابان بالقوه نیز (به عنوان مثال، بانک‌های توسعه منطقه‌ای، گروه‌های نظارتی بانکی) ممکن است بخواهند از این فرمت در کارهایشان بهره گیرند. گرچه این فقط یک راه برای انجام ارزیابی به شمار می‌آید.

۳۴- نخست آن که حین اجرای فرآیند ارزیابی، ارزیاب باید دسترسی کامل به اطلاعات و طرف‌های مورد نظر خود داشته باشد. اطلاعات مورد نیاز نه تنها شامل اطلاعات منتشره نظیر قوانین مربوط و سیاست‌ها و مقررات می‌باشد، بلکه اطلاعات حساس‌تر هم چون نتایج خود-ارزیابی‌ها، رهنمودهای عملیاتی برای ناظران و تا حد ممکن نتایج ارزیابی‌های نظارتی بانک‌های خاص را در بر می‌گیرد. این اطلاعات باید تا حدی در اختیار ناظران قرار گیرد که آن‌ها الزامات قانونی مربوط به حفظ و نگهداری محرمانه اطلاعات را نقض نکنند. ارزیاب می‌تواند نیازهای اطلاعاتی خود را از گستره‌ای از اشخاص و سازمان‌ها شامل مقامات نظارتی بانک‌ها، دیگر مقامات نظارتی داخلی، وزارت‌خانه‌های دولتی مرتبط، بانکداران و انجمن‌های بانکی، حساب‌برسان و دیگر اشخاص ذیربط در بخش مالی تامین کند. هنگامی که اطلاعات مورد نیاز ارائه نشود، بایستی در این مورد که نبود این اطلاعات می‌تواند چه تاثیری بر دقت ارزیابی برجای گذارد، یادداشت ویژه‌ای تهیه شود.

۳۵- دوم آن که، ارزیابی تطبیق با هر یک از اصول ۲۵ گانه مستلزم ارزیابی مجموعه‌ای به هم پیوسته از الزامات مرتبط است که بسته به اصل مربوط

می تواند قانون، مقررات احتیاطی، دستورالعمل‌های نظارتی، بازرسی‌های حضوری، تجزیه و تحلیل‌های غیر حضوری، چگونگی ارائه گزارش‌های نظارتی و افشای آن به عموم و اسناد اجرا یا اجرای آن‌ها را شامل شود. هم چنین ضروری است بررسی شود که آیا مقام نظارتی از مهارت‌های کافی، منابع و تعهد به اجرای اصول ۲۵ گانه برخوردار است. به علاوه، در ارزیابی باید اطمینان حاصل شود که الزامات به مرحله عمل درآمده باشد.

۳۶- سوم آن که، هدف اولیه یک فرآیند ارزیابی بایستی شناسایی ماهیت و دامنه و گستره ضعف‌ها در سیستم نظارت بانکی و تطبیق با اصول ۲۵ گانه باشد. ارزیابی‌ها نباید صرفاً بر نقاط ضعف متمرکز باشد. بلکه بایستی به نقاط مثبت و موفقیت‌ها نیز پردازد. این رویکرد امکان بهره‌گیری از مقیاس دقیق‌تر و صحیح‌تر را در مقایسه با تطبیق کلی با اصول فراهم می‌سازد. نتایج چنین ارزیابی‌هایی نباید برای رتبه‌بندی یک سیستم نظارتی استفاده شود. بلکه بایستی برای تدوین یک برنامه اجرایی زمان‌بندی شده که اصلاحات مورد نیاز برای نیل به تطبیق کامل با اصول ۲۵ گانه را اولویت‌بندی می‌نماید، به کار رود. به علاوه نتایج حاصله باید اقدامات و جدول زمانی مورد نیاز برای پرداختن به نقاط ضعف و نیز نقطه‌ای که فرآیند ارزیابی، پیگیری امور را ضروری می‌نماید، مشخص سازد.

۳۷- چهارم، به منظور تحقق تطبیق کامل با اصول ۲۵ گانه، معیارهای ضروری عموماً بایستی بدون هیچ‌گونه نقص قابل ملاحظه‌ای تامین شوند. البته ممکن است مواردی وجود داشته باشد که یک کشور موفق شده اصول ۲۵ گانه را به شیوه‌های گوناگون اجرا کند. بالعکس، برخی شرایط در کشورهای خاص موجب شده که معیارهای ضروری، همواره برای تحقق هدف اصول ۲۵ گانه کافی نباشد. بنابراین معیار و شاخص‌های تکمیلی به منظور موثر ساختن فرآیند نظارت بانکی که براساس اصول ۲۵ گانه انجام می‌پذیرد، ضرورت می‌یابند.

۳۸- پنجم، در مورد موسسات مالی غیربانکی که بخشی از گروه‌های بانکی تحت نظارت به شمار نمی‌آیند ولی از طریق انجام فعالیت‌های شبه بانکی بخش قابل ملاحظه‌ای از کل سیستم مالی

را به خود اختصاص داده و ضمناً در شمول نظارت نیز قرار ندارند، اختیارات و صلاحیت‌های قانونی مشخصی پیش‌بینی شده است. از آنجا که اصول ۲۵ گانه به طور مشخص با نظارت بانکی در تعامل است، لذا آن اصول در مورد موسسات مالی غیربانکی قابلیت اجرا نمی‌یابد و لیکن حتی الامکان گزارش ارزیابی بایستی فعالیت‌های این قبیل موسسات را که بر عملکرد بانک‌های تحت نظارت تاثیرگذار می‌شوند و زمینه‌ساز بروز مشکل خواهند بود، منعکس کند.

فصل سوم: معیارهایی برای ارزیابی میزان تطبیق با اصول ۲۵ گانه

مجموعه معیارهای مربوط به هر یک از اصول ۲۵ گانه تحت دو سرفصل مستقل طبقه‌بندی می‌شوند: «معیارهای ضروری» و «معیارهای تکمیلی». معیارهای ضروری عناصری هستند که برای تحقق تطبیق کامل با یک اصل ضرورت دارند. در حالی که معیارهای تکمیلی به عناصری اطلاق می‌شود که موجب تقویت بیشتر امر نظارت شده و ثبات مالی و نظارت اثربخش را بهبود می‌بخشند. این معیارها ممکن است در امر نظارت بر سازمان‌های بانکی با درجه پیچیدگی بالا به کار گرفته شوند و یا در مواردی که تجارت بین‌المللی قابل ملاحظه‌ای در حال انجام بوده و یا با بازارهای متغیر و بی‌ثباتی مواجه هستیم، مورد استفاده قرار گیرند.

معیارهای مذکور عمدتاً مبتنی بر مفاد مندرج در سند اصول ۲۵ گانه (سپتامبر ۱۹۹۷) و هم‌چنین نشریات و مقالات کمیته بال در خصوص اقدامات موثر می‌باشد. هر جا نیز که مناسب تشخیص داده شده، به اسناد مزبور استناد شده است. باید توجه داشت که تحقق بسیاری از معیارها نظیر استانداردها و الزاماتی که برای بانک‌ها تعیین می‌شوند به این مهم باز می‌گردد که ناظرین از اختیارات لازم برخوردار باشند. این موضوع قوانین و مقررات را نیز در بر می‌گیرد. بالعکس، یادآور می‌گردد قوانین و مقررات موضوعه در خصوص موضوعات خاص در برخی شرایط با همان درجه و تاثیرگذاری از طریق دستورالعمل‌ها نیز قابل دستیابی است.

اصل ۱ - یک سیستم موثر نظارت بانکی مسئولیت‌ها و اهداف مشخصی را برای هر موسسه‌ای که در زمینه نظارت بر بانک‌ها فعالیت دارد، تعیین نموده است. چنین موسساتی باید از استقلال عملیاتی و منابع کافی برخوردار باشند. هم چنین وجود یک چارچوب مناسب قانونی برای نظارت بانکی ضروری است. چارچوبی که شامل مواردی در خصوص صدور مجوز برای موسسات بانکی و نظارت مستمر بر آنها بوده، اختیاراتی را برای بررسی میزان انطباق عملکرد بانک‌ها با قوانین و نیز صحت و سلامت آن تفویض نموده و شامل حمایت‌های قانونی از بازرسان باشد. تمهیدات لازم برای تبادل اطلاعات بین ناظران و حفظ جنبه‌های محرمانه این‌گونه اطلاعات نیز به نوبه خود می‌بایست لحاظ گردد.

نکته: اصل اول مشتمل بر ۶ جزء است. چهار جزء آن در هیچ جای دیگری از اصول تکرار نشده است. ولیکن به دو جزء از آن (اجزا ۳ و ۴) در اصول بعدی به تفصیل پرداخته خواهد شد. لذا در این بخش به دلیل اینکه معیارهای مربوط به آن دو بخش در قسمت‌های بعدی مورد بررسی قرار می‌گیرند، صرفاً به کلیدی‌ترین و مهم‌ترین عوامل اشاره خواهد شد.

(۱-۱) یک سیستم موثر نظارت بانکی مسئولیت‌ها و اهداف مشخصی را برای هر موسسه‌ای که در زمینه نظارت بر بانک‌ها فعالیت دارد، تعیین می‌نماید.

معیارهای ضروری:

۱- ضروری است قوانین و مقرراتی مدون ناظر بر فعالیت بانک‌ها و موسساتی که در زمینه نظارت بانکی فعالیت می‌کنند، حاکم باشد. ضمناً باید مسئولیت‌ها و اهداف هر یک از این موسسات به وضوح تعریف شوند.

۲- لازم است قوانین و یا مقررات تابعه، چارچوبی را برای حداقل استانداردهای احتیاطی که بانک‌ها باید برآورده نمایند، ارائه کند.

۳- باید ساز و کار تعریف شده‌ای برای ایجاد هماهنگی بین موسسات مسئول در زمینه نظارت بانکی و شواهدی که در عمل موید اجرای این مهم باشد، تعریف گردد.

۴- ناظر باید در فرآیند تصمیم‌گیری پیرامون چگونگی و زمان و حل و فصل نظام مند موقعیت یک بانک مسأله‌دار (نظیر تعطیلی یا کمک به تجدید ساختار و یا ادغام با موسسات بزرگتر) مشارکت کند.

۵- به منظور حصول اطمینان از اینکه همگام با تغییرات صنعت و رویه‌های قانونگذاری، قوانین بانکی کماکان ساری و مرتبط می‌مانند ضروری است این قوانین حسب ضرورت، روزآمد شوند.

معیارهای تکمیلی:

۱- موسسه نظارتی می‌بایست اهدافش را تعیین کند. بدین منظور باید با توجه به مسئولیت‌ها و اهدافش از طریق گزارش‌دهی شفاف و فرآیند ارزیابی، بازنگری منظمی از عملکردش به عمل آورد.

۲- ضروری است موسسه نظارتی امکان دسترسی عموم به اطلاعات مربوط به نقاط قوت و عملکرد صنعت را در حوزه قانونی خود تضمین کند.

(۲)۱- کلیه موسسات نظارتی باید از استقلال عملیاتی و منابع کافی برخوردار باشند.

معیارهای ضروری:

۱- در عمل نباید هیچگونه شواهدی دال بر دخالت دولت یا صنعت در استقلال عملیاتی موسسه و در توانایی و قابلیت آن برای اخذ و به کارگیری منابع موردنیاز برای انجام وظایفش وجود داشته باشد.

۲- موسسه نظارتی و کارکنان آن باید به واسطه داشتن تخصص حرفه‌ای و امانتداری از اعتبار و مقبولیت کافی برخوردار باشند.

۳- موسسه باید به روشی تامین اعتبار شود که استقلال آن به مخاطره نیفتد و امکان نظارت موثر به ترتیب ذیل برای آن فراهم شود.

- دامنه حقوق و دستمزد باید به گونه‌ای تعیین شود که موجب جذب و حفظ کارکنان واجد شرایط و متخصص گردد.
- امکان استخدام و به کارگیری افراد متخصص خارج از سازمان برای مواجهه با برخی موقعیت‌های خاص وجود داشته باشد.
- از بودجه و برنامه آموزشی که فرصت‌های آموزشی منظمی را برای کارکنان فراهم نماید، برخوردار باشد.
- از بودجه کافی برای تجهیز کارکنان به رایانه و دیگر ابزارها و تجهیزات ضروری در راستای بررسی و ارزیابی نظام بانکی برخوردار باشد.
- برای انجام سفرها که امکان بازرسی‌های حضوری لازم را فراهم می نماید، بودجه کافی داشته باشد.

معیارهای تکمیلی:

- ۱- مدیر موسسه نظارتی که برای یک دوره زمانی معین منصوب می‌شود فقط با استناد به دلایل تصریح شده در قانون قابل برکناری است.
- ۲- هنگام عزل مدیر موسسه، ضروری است دلایل عزل وی به اطلاع عموم رسانیده شود.

(۳) وجود یک چارچوب مناسب قانونی برای نظارت بانکی ضروری است. چارچوبی که شامل مواردی در خصوص صدور مجوز برای موسسات بانکی و نظارت مستمر بر آنها باشد.

نکته: این جزء از اصل ۱ به تفصیل در اصول مربوط به اعطای مجوز و طراحی ساختار

(اصول ۲ تا ۵)، مقررات احتیاطی و الزامات (اصول ۶ تا ۱۵)، روش‌های نظارت بانکی مستمر (اصول ۱۶ تا ۲۰) و نیازهای اطلاعاتی (اصل ۲۱) مورد بحث قرار خواهد گرفت.

معیارهای ضروری:

- ۱- قانون باید مقام مسئول اعطا یا ابطال مجوزهای بانکی را مشخص سازد.
- ۲- قانون باید از نقطه نظر اجرایی امکان تدوین مقررات احتیاطی را برای ناظر فراهم کند. (بدون تغییر در قوانین)
- ۳- قانون می بایست اختیار کسب اطلاعات مورد نیاز را از بانک‌ها به لحاظ نوع و میزانی که به تشخیص ناظر ضروری به نظر می رسد، به وی اعطا نماید.

۱(۴) - وجود یک چارچوب مناسب قانونی برای نظارت بانکی ضروری است. چارچوبی که اختیارات نظارتی را برای بررسی میزان انطباق عملکرد بانک‌ها با قوانین و نیز صحت و سلامت آن‌ها مشخص کند.

نکته: این جزء از اصل ۱، در اصل ۲۲ که به اختیارات رسمی ناظران می پردازد، به تفصیل توضیح داده شده است.

معیارهای ضروری:

- ۱- به منظور بررسی انطباق عملکرد بانک با قوانین و سلامت و درستی عملکرد بانک‌های تحت نظارت، قانون باید تمهیدات کافی را برای ناظران فراهم سازد.
- ۲- قانون می بایست ناظر را مجاز به انجام ارزیابی کیفی به منظور اظهار نظر در مورد وضعیت بانک نماید.

۳- به منظور بررسی انطباق عملکرد بانک با مقررات داخلی، حدود تعیین شده، قوانین و مقررات خارج از بانک، ناظر بانکی نباید محدودیتی در زمینه دستیابی به اسناد بانک داشته باشد.

۴- هنگامی که حسب ارزیابی ناظر، مشخص شود که بانک مقررات و قوانین را نقض نموده و یا در فعالیت‌های پرریسک و نامطمئن مشارکت داشته، ناظر به موجب قانون مجاز به اتخاذ تصمیمات ذیل می‌باشد:

- انجام اقدامات اصلاحی سریع (یا الزام بانک به انجام اقدامات اصلاحی فوری)
- اعمال طیفی از تنبیهات (نظیر ابطال مجوز فعالیت بانکی)

(۵)۱- وجود یک چارچوب قانونی مناسب به منظور حمایت‌های قانونی از ناظران بانکی ضرورت دارد.

معیارهای ضروری:

- ۱- قانون باید حمایت‌های قانونی لازم را از موسسه نظارتی و کارکنان آن در برابر دعاوی حقوقی احتمالی ناشی از اقدامات آنان حین انجام وظایف قانونیشان به عمل آورد.
- ۲- موسسه نظارتی و کارکنان آن باید در مقابل عواقب دفاع از اقداماتشان حین انجام وظایف قانونی خود، به نحو موثری مورد حمایت قرار گیرند.

(۶)۱- تمهیدات لازم برای تبادل اطلاعات بین ناظران و حفظ جنبه‌های محرمانه این گونه اطلاعات نیز به نوبه خود می‌بایست لحاظ گردد.

معیارهای ضروری:

- ۱- در این خصوص باید بین کلیه موسسات داخلی که در خصوص سلامت سیستم مالی دارای مسئولیت هستند، همکاری و یک نظام تبادل اطلاعات وجود داشته باشد.

۲- هم چنین در خصوص موضوعاتی که برای ناظر داخلی از اهمیت برخوردار است، باید یک سیستم تبادل اطلاعات و همکاری با موسسات خارجی که مسئولیت‌های نظارت بر عملیات بانکی را بر عهده دارند پیش‌بینی شود.

۳- ناظر می‌تواند اطلاعات محرمانه را به ناظران فعال در بخش‌های مالی دیگر ارائه کند. لیکن در این خصوص لازم است برای حصول اطمینان از اینکه اطلاعات محرمانه ارائه شده به دیگر ناظران، نزد آنان هم به صورت کاملاً محرمانه باقی خواهد ماند اقدامات معقولی را انجام دهد. هم چنین باید مطمئن گردد اطلاعات محرمانه ارائه شده صرفاً در امور نظارتی استفاده خواهد شد.

۴- ناظر مجاز نیست اطلاعات محرمانه در اختیارش را در دسترس اشخاص ثالث قرار دهد، مگر به حکم دادگاه یا یک مرجع قانونگذاری.

اصل ۲: لازم است فعالیت‌های مجاز موسساتی که دارای مجوز هستند و به عنوان بانک تحت نظارت قرار دارند، به طور واضح تعریف شده و استفاده از واژه بانک در عناوین موسسات تا آنجا که ممکن است تحت کنترل باشد.

معیارهای ضروری:

- ۱- واژه بانک باید به طور صریح و شفاف در قوانین یا مقررات تعریف شود.
- ۲- باید فعالیت‌های مجاز موسساتی که دارای مجوز هستند و به عنوان بانک تحت نظارت قرار دارند، به طور واضح هم از سوی ناظران و هم در قانون یا مقررات تعریف گردد.
- ۳- استفاده از واژه بانک یا سایر مشتقات آن از جمله "بانکی"، در مواردی که می‌تواند موجب گمراهی افکار عمومی شود باید صرفاً "محدود به موسساتی شود که دارای مجوز بوده و تحت نظارت قرار دارند.
- ۴- حق اخذ سپرده‌های بانکی خاص* از عموم، نوعاً می‌بایست مختص موسساتی باشد که دارای مجوز بانکی بوده و تحت نظارت قرار دارند.**

* Proper bank deposits

** به عنوان یک مثال از سپرده بانکی خاص می‌توان به سپرده‌هایی اشاره کرد که در شمول قانون تامین الزامات شفافیت (Security law disclosure requirements) قرار نمی‌گیرند.

اصل ۱۳؛ مرجع صادرکننده مجوز میبایست از این حق برخوردار باشد که معیارهایی را تعیین نموده و نسبت به رد درخواست‌هایی که منطبق با معیارهای مزبور نیست، اقدام نماید. فرآیند صدور مجوز میبایست حداقل موارد ذیل را شامل شود: ارزیابی ساختار مالکیت موسسه بانکی، هیات مدیره و مدیریت ارشد، برنامه عملیاتی و کنترل‌های داخلی آن، پیش‌بینی وضعیت مالی آن در آینده شامل: سرمایه پایه و در صورتی‌که مالک پیشنهادی یا سازمان مرکزی آن یک بانک خارجی است، باید موافقت اولیه مراجع نظارتی کشور مبدا نیز اخذ شود.

معیارهای ضروری:

- ۱- مقام صادرکننده مجوز از حق تعیین معیارهایی برای اعطای مجوز تاسیس بانک برخوردار است. این معیارها می‌توانند مبتنی بر ضوابط مندرج در قوانین و مقررات تعیین گردند.
- ۲- ضوابط مورد نیاز برای صدور مجوز باید با معیارهایی که در فرآیند نظارت مستمر به کارگرفته می‌شوند، سازگار باشند.
- ۳- مقام صادرکننده مجوز از این حق برخوردار است که با درخواست‌هایی که ضوابط موردنظر را تامین ننموده یا اطلاعات کافی ارائه نمی‌نمایند، مخالفت نماید.
- ۴- مقام صادرکننده مجوز، ساختارهای مدیریتی و قانونی پیشنهادی بانک را از این حیث که مانعی برای یک نظارت موثر ایجاد نمی‌کند، تعیین می‌نماید.
- ۵- مقام اعطا کننده مجوز باید شایستگی سهامداران عمده، شفافیت ساختار مالکیتی و خاستگاه سرمایه اولیه بانک را احراز کند.
- ۶- ضروری است حداقل سرمایه اولیه برای کلیه بانک‌ها تصریح شود.

۷- مقام صادرکننده مجوز باید اعضای هیات مدیره و مدیران ارشد بانک را از نظر تخصص و توانمندی مورد ارزیابی قرار دهند (آزمون صلاحیت و شایستگی*). این ارزیابی می‌بایست مبتنی بر ضوابط ذیل انجام پذیرد:

- مهارت‌ها و تجربیات فرد در امور مالی مرتبط با فعالیت‌های بانکی مورد نظر.
- نداشتن سوء پیشینه به لحاظ انجام فعالیت‌های خلاف قانون و یا محکومیت به احکام قضایی که می‌تواند فرد را از احراز پست‌های مهم در یک بانک محروم سازد.

۸- مرجع اعطای مجوز باید برنامه‌های عملیاتی و راهبردی پیشنهادی بانک را بررسی نماید. این بررسی باید متضمن تعیین این نکته باشد که آیا سیستم حاکمیت سهامی مناسبی به مورد اجرا گذاشته شده است.

۹- برنامه عملیاتی باید مشتمل بر مواردی از قبیل: سیاست‌ها و رویه‌های عملیاتی مناسب، رویه‌های کنترل داخلی و نظارت دقیق بر فعالیت‌های متنوع بانکی باشد. ساختار عملیاتی بازتابی است از دامنه و میزان پیچیدگی فعالیت‌های پیشنهادی بانک.

۱۰- مقام صادرکننده مجوز باید صورت‌های مالی مقدماتی و هم‌چنین پیش‌بینی‌های مربوط به بانک پیشنهادی را بررسی نماید. این بررسی متضمن ارزیابی کفایت توان مالی بانک برای حمایت از برنامه استراتژیک پیشنهادی و هم‌چنین اطلاعات مالی در خصوص سهامداران اصلی بانک می‌باشد.

۱۱- چنانچه مقام اعطا کننده مجوز و مقام نظارتی دو مرجع متفاوت باشند، ناظر از حق قانونی برای اعمال نظر در مورد هر درخواستی برخوردار است.

۱۲- در صورتی که بانک‌های خارجی در نظر داشته باشند شعبه یا دفتر نمایندگی تاسیس نمایند، موافقت اولیه (یا عدم مخالفت) مقام نظارتی کشور مبدا ضروری است.

* Fit and Proper Test

۱۳- چنانچه مقام نظارتی با اعطاکننده مجوز دریابد که مجوز صادر شده بر پایه اطلاعات غلط بوده است، مجوز قابل فسخ خواهد بود.

معیارهای تکمیلی:

- ۱- در فرآیند بررسی و ارزیابی درخواستها باید توانمندی سهامداران برای ارائه حمایت‌های مالی بیشتر در مواقع موردنیاز لحاظ گردد.
- ۲- حداقل یکی از اعضای هیات مدیره باید از تخصص و تجربه کافی در انواع فعالیت‌های مالی که مقرر است در بانک انجام شود، برخوردار باشد.
- ۳- مقام اعطاکننده مجوز دارای رویه‌هایی است که میزان پیشرفت رقابتی جدید را در برآورده ساختن اهداف تجاری و راهبردی‌شان نظارت نموده و تعیین می‌کند که الزامات نظارتی که در هنگام صدور مجوز معین شده، تا چه حد رعایت شده است.

اصل ۴: لازم است ناظران بانکی از این اختیار برخوردار باشند که به بررسی و رد هر گونه طرحی بپردازند که مستلزم انتقال بخش عمده‌ای از مالکیت به سایر اشخاص و یا کنترل منافع بانک‌های موجود توسط آن‌ها است.

معیارهای ضروری:

- ۱- قوانین و مقررات باید متضمن تعریفی جامع و مانع از سهم عمده مالکیت باشد.
- ۲- ضروری است هرگونه تغییرات پیشنهادی که منجر به تغییر در مالکیت یا احراز حق رای بیش از یک حد مشخص یا تغییر در کنترل شرکت شود، فوراً اعلام شده و مورد تایید مقام نظارتی قرار گیرد.
- ۳- ناظر از اختیار رد هرگونه پیشنهادی که متضمن تغییری عمده در ترکیب مالکیت یا کنترل شرکت می‌باشد برخوردار است و می‌تواند از انتقال حق رای در خصوص چنین سرمایه‌گذاری‌هایی که با معیارهای مصوب برای موافقت با ایجاد بانک‌های جدید مطابقت ندارد، جلوگیری نماید.*

معیارهای تکمیلی:

- ۱- ناظران باید اسامی و میزان سهام هر یک از سهامداران عمده را از بانک‌ها از طریق گزارش‌های دوره‌ای یا بررسی‌های حضوری اخذ نمایند. در صورت امکان باید هویت مالکان ذینفعی نیز که سهام آنان توسط سرپرست یا قیم نگهداری می‌شود، مشخص گردد.

*تائیدیه مقام نظارتی می‌تواند به صورت تائید صریح موضوع مورد استعلام و یا "عدم مخالفت" با آن قبل از انجام، باشد.

اصل ۵: بازرسان بانکی باید از این اختیار برخوردار باشند که برای بررسی سرمایه‌گذاری‌ها یا خریدهای عمده یک بانک، معیارهایی را وضع نموده و اطمینان یابند که ساختارها یا ارتباطات شرکتی، بانک را در معرض ریسک‌های ناخواسته قرار نداده یا مانع از نظارت کارآمد نمی‌شوند.

معیارهای ضروری:

- ۱- قوانین و مقررات باید تعریفی شفاف از نوع و مقادیر (به صورت مطلق یا نسبت به سرمایه بانک) تملیک و انجام سرمایه‌گذاری‌هایی را ارائه نماید که نیازمند کسب موافقت مقام نظارتی است.
- ۲- قوانین و مقررات باید معیارهایی را برای قضاوت در خصوص پیشنهادات مطروحه از سوی افراد تبیین نمایند.
- ۳- مهم‌ترین معیارها و ضوابطی که مقام نظارتی می‌بایست برای انطباق با الزامات اعطای مجوز لحاظ کند این است که سرمایه‌گذاری‌ها یا دارایی‌های جدید خریداری شده، بانک را در معرض ریسک‌های ناخواسته قرار نداده یا مانع از نظارت کارآمد نشوند. در این شرایط، ناظران باید این موضوع را مشخص نمایند که آیا واحد بانکی برای خرید و سرمایه‌گذاری مزبور از منابع مالی و مدیریتی کافی برخوردار است.
- ۴- لازم است در قوانین و مقررات به طور شفاف تبیین شود که چه حدی خرید دارایی یا انجام سرمایه‌گذاری تنها مستلزم مطلع ساختن مقام نظارتی است. چنین مواردی عموماً شامل آن گروه از سرمایه‌گذاری‌هایی است که نسبت به سرمایه بانک اندک می‌باشد.

اصل ۴: بازرسان بانکی می‌بایست نسبت به تعیین حداقل الزامات کفایت سرمایه برای بانک‌ها اقدام نمایند. این الزامات بازتابی از ریسک‌هایی است که بانک‌ها متحمل می‌گردند و باید اجزا. سرمایه را با توجه به قابلیت آن‌ها در جذب زیان‌ها تعریف نماید. برای بانک‌هایی که در عرصه بین‌المللی فعال هستند، این الزامات نباید کمتر از آنچه که در توافقنامه سرمایه‌بال معین شده است، باشد.

معیارهای ضروری:

- ۱- لازم است قوانین و مقررات کلیه بانک‌ها را ملزم به محاسبه و حفظ دائمی حداقل نسبت کفایت سرمایه نماید. برای بانک‌هایی که در عرصه بین‌المللی فعال هستند، تعریف سرمایه، روش محاسبه و نسبت مورد نیاز نباید از آنچه که در توافقنامه سرمایه‌بال معین شده، کمتر باشد.
- ۲- نسبت سرمایه مورد نیاز بازتابی از ریسک‌های مترتب بر بانک‌ها به ویژه ریسک اعتباری و ریسک بازار می‌باشد. این مهم هر دو گروه ریسک‌های مربوط به اقلام بالا و زیر خط ترازنامه را در بر می‌گیرد.
- ۳- به منظور حصول اطمینان از اینکه آن گروه از اجزای سرمایه که برای جذب زیان‌ها در دسترس هستند، به اندازه کافی مورد تاکید قرار گرفته‌اند، قوانین و مقررات یا ناظر بانکی می‌بایست تعریف شفاف‌تری از اجزای سرمایه ارائه نمایند.
- ۴- ضروری است نسبت کفایت سرمایه بانک‌ها به طور تلفیقی محاسبه و اعمال شود.
- ۵- قوانین و مقررات باید این اختیار را به ناظر بانکی تفویض کنند در مواقعی که نسبت‌های کفایت سرمایه بانکی به کمتر از حداقل تعیین شده کاهش یابد، اقداماتی را در مورد بانک انجام دهد.
- ۶- بانک‌ها باید گزارش‌های ادواری - حداقل با تناوب زمانی ۶ ماهه- درخصوص نسبت‌های سرمایه و دیگر اجزای آن به مقام نظارتی ارائه نمایند.

معیارهای تکمیلی:

۱- برای بانکهای محلی و هم چنین بانکهای فعال در سطح بین‌المللی، تعریف سرمایه باید کاملاً منطبق با توافق‌نامه کمیته بال باشد.

۲- ناظر بانکی برای مواجهه با شرایطی که نسبت‌های کفایت سرمایه یک بانک به میزان کمتر از حداقل تعیین شده کاهش یافته باید اقدامات لازم را پیش‌بینی نماید.

۳- به منظور ارزیابی کفایت سرمایه کلی بانک‌ها نسبت به ریسک‌هایشان، ناظر بانکی باید اطمینان یابد که بانک‌ها از فرآیند کنترل داخلی برخوردارند.

۴- الزامات کفایت سرمایه شرایطی را که سیستم بانکی براساس آن عمل می‌نماید، مشخص می‌سازد. از این رو، حداقل لازم می‌تواند بالاتر از آنچه که در توافق‌نامه بال آمده، تعیین گردد.

۵- نسبت‌های کفایت سرمایه بایستی هم به صورت تلفیقی و هم انفرادی برای کلیه موسسات بانکی داخل یک گروه محاسبه شود.

۶- قوانین یا مقررات بایستی حداقل میزان مطلق سرمایه برای بانک‌ها را تصریح نماید.

اصل ۷: یک بخش مهم از هر سیستم نظارتی، ارزیابی سیاست‌ها، رویه‌ها و روش‌های یک بانک در اعمالی وام، انجام سرمایه‌گذاری‌ها، مدیریت مستمر وام‌ها و پرتفوی سرمایه‌گذاری‌هاست.

معیارهای ضروری:

۱- لازم است ناظر بانکی به طور ادواری بررسی کند که معیارها، سیاست‌ها، رویه‌ها و روش‌های احتیاطی مصوب برای اعطای اعتبار و انجام سرمایه‌گذاری‌ها توسط بانک اجرا می‌شود و به طور دوره‌ای به وسیله مدیریت بانک و هیات مدیره مورد بازنگری قرار می‌گیرند.*

۲- لازم است مقام نظارتی به طور ادواری بررسی نماید که چنین خط‌مشی‌ها، روش‌ها و رویه‌هایی منجر به استقرار یک محیط ریسک اعتباری کنترل شده مناسب و فراخور شامل موارد ذیل می‌شود:

- فرآیند دقیق و به طور مناسب مستندسازی شده سرمایه‌گذاری و اعتباردهی.
- اجرای مناسب مدیریت اعتباری، فرآیند اندازه‌گیری، نظارت و گزارش‌دهی مستمر (شامل رتبه‌بندی و طبقه‌بندی دارایی‌ها) و حفظ آن.

* این نوشتار به ساختار مدیریت متشکل از هیات مدیره و مدیریت ارشد اشاره دارد. کمیته از این امر آگاهی دارد که تفاوت‌های مهمی بین چارچوب تقنینی و نظارتی کشورها در خصوص وظایف هیات مدیره و مدیریت ارشد وجود دارد. در برخی کشورها، وظیفه نظارت بر مجموعه اجرایی - اگرچه نه به طور کامل - بر عهده هیات مدیره است تا بدین وسیله مطمئن شوند که مجموعه مزبور، وظایف خود را انجام می‌دهد. به همین دلیل در برخی موارد، از آن به عنوان هیات نظارت یاد می‌کنند. این امر بدین معنا است که هیات مذکور، دارای وظایف اجرایی نمی‌باشد. برعکس، در برخی کشورهای دیگر، این هیات از صلاحیت بیشتری برخوردار بوده و چارچوب کلی مدیریت بانک را تعیین می‌نماید. به دلیل وجود این تفاوتها، در این نوشتار واژه‌های "هیات مدیره" و "مدیریت ارشد" نه برای شناخت واحدهای قانونی بلکه برای نامگذاری دو حوزه تصمیم‌گیری در درون بانک، به کار می‌رود.

• حصول اطمینان از وجود ساز و کارهای کنترلی کافی برای ریسک اعتباری.

۳- ناظر بانکی باید به طور ادواری بررسی نماید که تصمیمات اعتباری بانک‌ها فارغ از تعارض منافع بر پایه یک معامله آزاد و بدون اعمال فشار اشخاص ثالث اتخاذ می‌شود.

۴- ناظر بانکی باید اطمینان یابد که استانداردهای اعتباردهی و ارزیابی اعتباری بانک، حداقل توسط کلیه افرادی که در فعالیت‌های اعتباردهی مشارکت دارند، انجام می‌شود.

۵- مقام نظارتی بایستی به اطلاعات مربوط به پرتفوی سرمایه‌گذاری و اعتباری بانک و هم چنین افراد مسئول در زمینه وام‌دهی دسترسی کامل داشته باشد.

معیارهای تکمیلی:

۱- مقام نظارتی می‌بایست اطمینان یابد که خط‌مشی اعتباری بانک به گونه‌ای تدوین شده که تصمیم‌گیری در خصوص اعتبارات و سرمایه‌گذاری‌های کلان که فراتر از یک حد معین یا درصدی از سرمایه بانک می‌باشد در سطوح بالای مدیریتی اتخاذ می‌شود. این مهم در مورد اعتبارات و سرمایه‌گذاری‌هایی که از درجه مخاطره‌پذیری بالایی برخوردارند و یا مطابق با روند کلی فعالیت‌های بانک قرار ندارند نیز صادق است.

۲- مقام نظارتی باید اطمینان یابد که بانک از سیستم‌های اطلاعات مدیریتی برخوردار است که اطلاعات ضروری در خصوص شرایط و مختصات سبدهای سرمایه‌گذاری و وام ارائه می‌کند.

۳- مقام نظارتی بایستی مطمئن شود که مدیریت بانک بر مجموع بدهی موسساتی که به آن‌ها وام می‌دهد، نظارت کافی معمول می‌دارد.

اصل ۸: ناظران بانکی بایستی قانع شوند که بانک‌ها برای ارزیابی کیفیت دارایی‌ها و کفایت ذخایر و اندوخته‌های مطالبات سوخت‌شده، سیاست‌ها، رویه‌ها و روش‌های مناسبی را ایجاد نموده و به آن‌ها پای‌بند هستند.

معیارهای ضروری:

- ۱- قوانین و مقررات و یا مقام نظارتی می‌بایست مقرراتی را برای الزام بانک‌ها به بررسی ادواری تک تک اعتبارات، طبقه‌بندی دارایی‌ها و ذخیره‌گیری تدوین نمایند. به بیان دیگر، قوانین و مقررات بایستی با تدوین یک چارچوب کلی بانک‌ها را ملزم سازند تا خط‌مشی‌های مشخصی برای چگونگی تعامل با اعتبارات مساله‌دار تدوین نمایند.
- ۲- خط‌مشی‌های طبقه‌بندی و ذخیره‌گیری وام یک بانک و چگونگی اجرای آن‌ها می‌بایست به طور منظم توسط مقام نظارتی یا حساب‌رسان مستقل خارج از بانک بازنگری شوند.
- ۳- سیستم طبقه‌بندی و ذخیره‌گیری وام باید اقلام در معرض ریسک زیر خط ترازنامه را نیز در بر گیرد.
- ۴- به منظور حصول اطمینان از اینکه ذخایر مربوط به زیان عدم بازپرداخت تسهیلات و مطالبات سوخت‌شده انتظارات معقولی را نسبت به بازپرداخت‌ها برآورده می‌کند، مقام نظارتی بایستی بانک‌ها را به داشتن خط‌مشی‌ها و رویه‌های مناسب ملزم نماید.
- ۵- مقام نظارتی باید اطمینان حاصل نماید که بانک‌ها به منظور نظارت مستمر بر اعتبارات مساله‌دار و تسهیلات سررسید گذشته دارای رویه‌ها و منابع سازمانی مناسب می‌باشند.
- ۶- چنانچه سطح اعتبارات مساله‌دار در یک بانک به حدی رسد که موجبات نگرانی

را فراهم سازد، مقام نظارتی از این اختیار برخوردار است که بانکها را ملزم سازد تا توان تسهیلات‌دهی، استانداردهای اعطای اعتبار، سطوح اندوخته و ذخایر و نیز کل توان مالی خود را تقویت نمایند.

۷- مقام نظارتی می‌بایست به صورت ادواری از جزئیات مربوط به طبقه‌بندی اعتبارات و دارایی‌ها و هم چنین نحوه ذخیره‌گیری بانکها مطلع گردد.

۸- مقام نظارتی می‌بایست بانکها را ملزم به اتخاذ ساز و کارهایی به منظور ارزیابی مستمر توان پوشش ضمانت‌نامه‌ها و ارزش وثیقه‌ها نماید.

۹- لازم است تسهیلاتی که با شواهد و ادله کافی، تردید جدی در خصوص عدم وصول آنها (اصل و سود تسهیلات) مطابق با شرایط قرارداد وجود دارد، به عنوان تسهیلات مساله‌دار مشخص و شناسایی شوند.

۱۰- در ارزش‌گذاری وثایق می‌بایست ارزش خالص قابل حصول (نقدشدنی) آنها ملاک عمل قرار گیرد.

معیارهای تکمیلی:

۱- لازم است تسهیلاتی که پرداخت‌های مربوط به آنها از حداقل تاخیر و تعویق (مثلاً ۳۰، ۶۰ و ۹۰ روز) برخوردارند، طبقه‌بندی شوند. مگر در مواردی که تامین مالی چنین تسهیلاتی به بهبود طبقه‌بندی آنها نیانجامد.

۲- لازم است ارزش‌گذاری، طبقه‌بندی و ذخیره‌گیری تسهیلات کلان حسب مورد و به صورت جداگانه انجام شود.

(مافذ: "روش‌های موثر برای مسابرداری و افشای تسهیلات- ژوئیه ۱۹۹۹")

اصل ۹: ناظران بانکی می‌بایست مطمئن شوند که بانک‌ها دارای سیستم‌های اطلاعات مدیریتی هستند که مدیریت را قادر به شناسایی نقاط تمرکز پرتفوی می‌نماید. بازرسان باید با ایجاد محدودیت‌های احتیاطی از تمرکز مقدار منابع در معرض ریسک بانک بر یک متقاضی وام یا گروه‌هایی از وام‌گیرندگان مرتبط جلوگیری نمایند.

معیارهای ضروری:

- ۱- به منظور انعکاس مخاطرات واقعی منابعی که در معرض ریسک قرار دارند، لازم است صریحاً "گروه‌های مرتبط" تعریف شود. مقام نظارتی، حسب مورد، از اختیار تفسیر این تعریف برخوردار است. چنین اختیاراتی می‌تواند ناشی از حقوقی باشد که قانونگذار برای وی تعیین نموده است.
- ۲- قوانین و مقررات و یا مقام نظارتی می‌بایست برای منابع در معرض ریسک بانک که در اختیار یک متقاضی وام یا گروه‌هایی مرتبط از استقراض‌کنندگان قرار می‌گیرد، محدودیت‌های احتیاطی وضع نماید. منابع در معرض ریسک کلیه مطالبات و معاملات از جمله ارقام بالای خط و زیرخط ترازنامه را شامل می‌شوند.
- ۳- مقام نظارتی باید اطمینان حاصل نماید که بانک‌ها دارای سیستم‌های اطلاعات مدیریتی هستند که مدیریت را قادر به شناسایی به هنگام نقاط تمرکز (شامل منابع کلان در معرض ریسک در اختیار یک شخص) پرتفوی هم به صورت مستقل و هم یکپارچه می‌نماید.
- ۴- مقام نظارتی می‌بایست مطمئن شود که مدیریت بانک نظارت کافی بر این محدودیت‌ها داشته و اجازه نخواهد داد که حدود تعیین شده چه به صورت فردی و چه یکپارچه نقض شوند.

۵- مقام نظارتی می‌بایست به طور منظم اطلاعاتی را کسب کند که به کمک آن‌ها وجود تمرکزها در پرتفوی اعتباری بانک از قبیل منابع در معرض ریسک جغرافیایی و یا بخشی را مورد بررسی قرار دهد.

معیارهای تکمیلی:

۱- بانک‌ها ملزم به رعایت موارد ذیل می‌باشند:

- تسهیلات و تعهدات معادل ۱۰ درصد یا بیشتر سرمایه یک بانک به عنوان منابع در معرض ریسک کلان در نظر گرفته می‌شود.
- بالاترین حد برای اعطای تسهیلات و تعهدات کلان به یک شخص ۲۵ درصد سرمایه است که می‌تواند به یک متقاضی غیربانکی از بخش خصوصی یا گروهی از متقاضیان وام که دارای ارتباط نزدیکی با یکدیگر می‌باشند، اعطا شود. انحرافات کوچک از نسبت‌های فوق قابل پذیرش خواهد بود به ویژه اگر صراحتاً بر موقت بودن آن تاکید شود یا مربوط به بانک‌های بسیار کوچک یا تخصصی باشد.

(مافذ: "سنجش و کنترل منابع اعتباری کلان در معرض ریسک- ژانویه ۱۹۹۱")

اصل ۱۰: به منظور پیشگیری از سو، استفاده‌های ناشی از ارائه وام به بستگان، ناظران بانکی باید الزامات مناسبی را برای بانکها تعیین نمایند. الزاماتی مبنی بر اینکه ارائه وام از سوی بانکها به افراد و شرکت‌های وابسته مبتنی بر روابط غیرشخصی و تحت نظارت موثر بوده و اینکه جهت کنترل یا کاهش ریسک‌های مزبور تمهیدات مناسب دیگر نیز اندیشیده شده‌است.

معیارهای ضروری:

- ۱- لازم است تعریفی جامع از "اشخاص مرتبط یا وابسته" در قوانین و مقررات وجود داشته باشد. مقام نظارتی دارای اختیار قانونی برای قضاوت در خصوص وجود ارتباطات ما بین بانک و دیگر اشخاص می‌باشد.
- ۲- لازم است قوانین و مقرراتی وضع شود تا منابع در معرض ریسک مربوط به اشخاص وابسته یا مرتبط از شرایط مطلوب تری در مقایسه با تسهیلات اعطایی به هم‌تایان غیروابسته برخوردار نشوند. *شرایطی چون: ارزیابی اعتباری، سررسید، نرخ‌های بهره، زمان‌بندی استهلاك وام و الزامات وثیقه‌ای.
- ۳- عملیاتی که با اشخاص مرتبط و وابسته انجام گرفته و از مقدار مشخصی نیز فراتر است، بایستی به نحو مقتضی به اطلاع مقام نظارتی رسانده شود. ضمناً معامله با اشخاص وابسته‌ای که برای بانکها ریسک‌های خاصی به وجود می‌آورد می‌بایست به تصویب هیات مدیره بانک برسد.
- ۴- مقام نظارتی می‌بایست بانکها را به اتخاذ رویه‌هایی ملزم سازد تا از اعطای وام به اشخاصی که به نحوی در فراگرد ارزیابی مربوط به آن تسهیلات مشارکت داشته یا به نوعی تصمیم‌گیرنده محسوب می‌شوند، جلوگیری شود.

*

۵- قوانین و مقررات و یا مقام نظارتی می‌بایست محدودیت‌هایی را به طور اعم یا به صورت موردی برای اعطای تسهیلات به اشخاص مرتبط یا وابسته وضع نمایند تا بدین ترتیب این تسهیلات هنگام محاسبه نسبت کفایت سرمایه از مبلغ سرمایه کسر شود یا بانک‌ها را ملزم به اخذ وثیقه در قبال اعطای چنین تسهیلاتی نماید.

۶- مقام نظارتی می‌بایست بانک‌ها را به برخورداری از سیستم‌های اطلاعاتی ملزم سازد تا از این طریق تسهیلات اعطایی به اشخاص مرتبط و وابسته و هم چنین کل مبلغ چنین وام‌هایی مشخص شده، امکان نظارت از طریق یک فرآیند اداری اعتباری مستقل فراهم گردد.

۷- مقام نظارتی می‌بایست اطلاعاتی را درخصوص مجموع تسهیلات اعطایی به اشخاص مرتبط و وابسته اخذ و بررسی نماید.

معیارهای تکمیلی:

۱- تعریف "اشخاص مرتبط یا وابسته" مندرج در قوانین و مقررات طیف وسیعی را در بردارد و عموماً شامل: شرکت‌های وابسته، سهامداران عمده، اعضای هیات مدیره، مدیریت عالی، کارکنان کلیدی و هم چنین اعضای نزدیک خانواده آن‌ها، اشخاص مرتبط به شرکت‌های وابسته و شرکت‌هایی که توسط سهامداران یا کارکنان اداره می‌شود، می‌باشد.

۲- لازم است محدودیت‌هایی بر مجموع منابع در معرض ریسک مربوط به اشخاص وابسته یا مرتبط وضع گردد. این محدودیت‌ها بایستی از محدودیت‌های وضع شده در خصوص وام گیرندگان فردی، گروه‌ها یا استقراض کنندگان مرتبط کمتر نباشد.

اصل ۱۱: بازرسان بانک‌ها می‌بایست مملکت‌ها را بشناسند که بانک‌ها جهت شناسایی، نظارت و کنترل ریسک کشوری و ریسک انتقال وجوه در اعطای وام‌های بین‌المللی و فعالیت‌های سرمایه‌گذاری خود و نیز به منظور حفظ ذخایر مکفی جهت پوشش این قبیل ریسک‌ها دارای سیاست‌های و رویه‌های مناسبی باشند.

معیارهای ضروری:

۱- مقام نظارتی بایستی اطمینان حاصل نماید که رویه‌ها و سیاست‌های یک بانک امکان کافی برای شناسایی، نظارت و کنترل ریسک کشوری و ریسک انتقال وجوه را فراهم می‌سازد. منابع در معرض ریسک حسب کشور (و هم چنین استقراض کننده نهایی/یا همتای آن) مورد شناسایی و نظارت واقع می‌شوند. لازم است بانک‌ها بر پیشرفت امور در ریسک کشوری و در ریسک انتقال وجوه نظارت و ارزیابی نموده و اقدامات پیشگیرانه مناسبی را اتخاذ نمایند.

۲- مقام نظارتی بایستی اطمینان یابد که بانک‌ها از سیستم اطلاعاتی، سیستم‌های مدیریت ریسک و سیستم‌های کنترل داخلی به منظور انطباق با سیاست‌های تدوین شده برخوردارند.

۳- مقام نظارتی بایستی بر چگونگی ذخیره‌گیری به منظور پوشش ریسک‌های کشوری و انتقال وجوه نظارت نماید. روش‌های بین‌المللی گوناگونی وجود دارند که از مقبولیت لازم برخوردار بوده و منجر به نتایج منطقی و مربوط می‌شوند. این روش‌ها عبارتست از:

- مقام نظارتی (یا هر مقام مسئول دیگر)، از طریق تعیین درصدی ثابت برای منابع در معرض ریسک مربوط به هر کشور، حداقل ذخیره مناسب را در نظر می‌گیرد.

- مقام نظارتی (یا هر مقام مسئول دیگر) بازه‌هایی* را حسب درصد برای هر کشور در نظر گرفته و بانک‌ها می‌توانند در دامنه مجاز تعیین شده ذخایری را برای هر یک از منابع در معرض ریسک خود لحاظ نمایند.
 - بانک (یا برخی مراکز دیگر نظیر انجمن ملی بانکداران) درصدها و دستورالعمل‌هایی را برای ذخیره‌گیری تعیین و یا به صورت دقیق میزان ذخیره‌گیری مناسب را مشخص می‌سازد. میزان ذخایر در نظر گرفته‌شده توسط حسابرسان یا بازرسان مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.
- ۴- مقام نظارتی بایستی به صورت ادواری و منظم درخصوص ریسک کشوری و ریسک انتقال وجوه هر یک از بانک‌ها، اطلاعات کافی را اخذ و مورد تحلیل قرار دهد.

(مافذ: "مدیریت بانک‌ها-تسهیلات دهی بین‌المللی- مارس ۱۹۸۲")

* Intervals

اصل ۱۲: بازرسان بانک‌ها می‌بایست از این موضوع اطمینان حاصل نمایند که بانک‌ها دارای سیستم‌هایی هستند که به طور دقیق ریسک‌های بازار را مورد سنجش و نظارت قرار داده و آن‌ها را به طور مناسبی کنترل می‌نمایند. در صورت لزوم، بازرسان باید از اختیارات لازم جهت وضع محدودیت‌های خاص و یا تعیین سرمایه ویژه بیشتری جهت پوشش مقدار منابعی که در معرض ریسک بازار قرار دارند، برخوردار باشند.

معیارهای ضروری:

۱- مقام نظارتی بایستی اطمینان حاصل نماید که بانک دارای سیاست‌ها و رویه‌های مناسبی در خصوص احراز هویت، سنجش، نظارت و کنترل ریسک بازار می‌باشد.

۲- مقام نظارتی بایستی مطمئن شود که بانک محدودیت‌های مناسبی برای ریسک‌های مختلف بازار از جمله ریسک مربوط به خرید و فروش ارزهای خارجی وضع نموده است.

۳- لازم است مقام نظارتی از اختیارات کافی برای وضع محدودیت‌های خاص و تعیین سرمایه ویژه بیشتر جهت پوشش مقدار منابعی که در معرض ریسک بازار قرار دارند، همچون ریسک ناشی از انجام فعالیت‌های ارزی برخوردار باشد.

۴- مقام نظارتی بایستی اطمینان حاصل نماید که بانک‌ها از سیستم‌های اطلاعاتی، سیستم‌های مدیریت ریسک و سیستم‌های کنترل داخلی برای انطباق با سیاست‌های پیش گفته برخوردار بوده و هم چنین کلیه محدودیت‌های وضع شده (هم داخلی و هم تعیین شده توسط مقام نظارتی) رعایت می‌شوند.

۵- به منظور حصول اطمینان از اینکه کلیه عملیات به صورت ادواری ثبت و ضبط می‌شوند و هم چنین با استفاده از اطلاعات قابل اتکا و معقول موجود در بازار وضعیت بانک‌ها به دفعات مورد ارزیابی مجدد قرار می‌گیرد، مقام نظارتی بایستی متقاعد شود سیستم‌ها و کنترل‌هایی وجود دارد.

۶- لازم است مقام نظارتی مطمئن شود که بانک‌ها از روش‌های تحلیل سناریو، آزمون بحران و برنامه‌ریزی اقتضایی به طور مناسب استفاده می‌نمایند و به علاوه صحت و کارایی سیستم‌های مورد استفاده به منظور سنجش ریسک بازار به صورت ادواری ارزیابی می‌شوند.

۷- مقام نظارتی بایستی از تخصص و دانش کافی برای نظارت بر سطوح واقعی پیچیدگی در فعالیتهای تجاری بانک‌ها برخوردار باشد.

معیارهای تکمیلی:

۱- مقام نظارتی می‌بایست از طریق نظارت حضوری یا بهره‌گیری از کارشناسان مستقل برون سازمانی یا درون سازمانی اطمینان حاصل نماید مدیریت ارشد درکی درست از ریسک‌های بازار مرتبط با خطوط (محصولات) تجاری داشته و هم چنین به طور منظم اطلاعات دریافته درباره مدیریت ریسک را مورد بررسی قرار داده و درک درستی نسبت به الزامات آن دارند.

۲- لازم است مقام نظارتی کیفیت اطلاعات مدیریتی را بررسی نموده و درخصوص کفایت اطلاعات مزبور از حیث انعکاس صحیح موقعیت بانک و منابعی از بانک که در معرض ریسک بازار قرار دارند، اظهار نظر نماید. به ویژه، مقام نظارتی می‌بایست مفروضاتی را که مدیریت در سناریوهای آزمون بحران و برنامه‌ریزی‌های اقتضایی برای تعامل با چنین شرایطی استفاده می‌کند، مورد بررسی قرار دهد.

۳- چنانچه مقام نظارتی از مهارت‌ها و ظرفیت کافی بی‌بهره باشد، به بانک‌ها امکان تعیین الزامات سرمایه نظارتی مبتنی بر مدل‌های پیچیده نظیر (VAR) را نمی‌دهد.

(مافذ: "اصلامیه توافق‌نامه سرمایه به منظور یکپارچه سازی ریسک‌های بازار"-ژانویه ۱۹۹۶")

اصل ۱۳؛ ناظران بانکی می‌بایست مطمئن شوند که بانک‌ها جهت شناسایی، سنجش، نظارت و کنترل تمامی ریسک‌های مهم دیگر دارای فرآیند جامعی از مدیریت ریسک (شامل نظارت مناسب هیات مدیره و مدیریت ارشد) بوده و در مواقع لزوم به تخصیص سرمایه جهت مقابله با این قبیل ریسک‌ها اقدام می‌کنند.

معیارهای ضروری:

۱- مقام نظارتی بایستی مطمئن شود که بانک‌ها از فرآیندهای جامع مدیریت ریسک به منظور شناسایی، سنجش، نظارت و کنترل ریسک‌های مهم برخوردار است. این فرآیندها می‌بایست مطابق اندازه و ماهیت فعالیت‌های بانک بوده و به صورت ادواری حسب تغییر پرتفوی ریسک بانک و تحولات بازار بیرونی تعدیل شود. این فرآیند در برگیرنده نظارت مناسب هیات مدیره و مدیریت ارشد می‌باشد.

۲- مقام نظارتی می‌بایست اطمینان یابد که تعیین می‌کند فرآیندهای مدیریت ریسک در برگیرنده ریسک نقدینگی، ریسک نرخ بهره، ریسک عملیاتی و هم چنین سایر ریسک‌ها از جمله ریسک‌های منتج در سایر اصول (نظیر ریسک بازار و ریسک اعتباری) است. ذیلاً به تعریف برخی از ریسک‌های فوق‌الذکر اشاره می‌شود:

- ریسک نقدینگی: شامل سیستم‌های مناسب اطلاعات مدیریت، کنترل متمرکز نقدینگی، تجزیه و تحلیل مقدار وجوه خالص موردنیاز برای سناریوهای مختلف، تنوع منابع تامین مالی، آزمون بحران و برنامه‌ریزی اقتضایی می‌باشد. مدیریت نقدینگی بایستی به صورت کاملاً مستقل به ارزشهای خارجی و یا داخلی پردازد.

- ریسک نرخ بهره: شامل سیستم‌های مناسب اطلاعات مدیریت و آزمون بحران می‌باشد.

- ریسک عملیاتی: شامل حسابرسی داخلی، رویه‌هایی برای مواجهه با تقلب و کلاهبرداری، برنامه‌های از سرگیری صحیح فعالیت، رویه‌هایی متضمن اعمال اصلاحات در سیستم اصلی و آمادگی برای تغییرات عمده در محیط تجاری می‌باشد.

۳- ضروری است ناظر استانداردهایی مرتبط با موضوعاتی چون ریسک نقدینگی، ریسک نرخ بهره، ریسک فعالیت‌های ارزی و ریسک عملیاتی تدوین نماید.

۴- ناظر می‌بایست دستورالعمل‌هایی به منظور مدیریت نقدینگی بانک‌ها تدوین نماید که در آن صرفاً دارایی‌های واقعاً نقدپذیر احصا شده و تعهدات قطعی نشده و دیگر بدهی‌های زیرخط ترازنامه و هم چنین بدهی‌های موجود در بالای خط ترازنامه در نظر گرفته شوند.

۵- لازم است مقام نظارتی مطمئن شود که رویه‌ها و محدودیت‌های وضع شده به کارکنان ذیربط ابلاغ گردیده است. مسئولیت اساسی رعایت رویه‌ها و محدودیت‌های مزبور با واحدهای تجاری مربوطه می‌باشد.

۶- مقام نظارتی می‌بایست به طور منظم اطمینان حاصل نماید که فرآیندهای مدیریت ریسک، الزامات سرمایه، دستورالعمل‌های نقدینگی و استانداردهای کیفی در عمل رعایت می‌شوند.

معیارهای تکمیلی:

۱- ناظر بایستی از اختیار کافی برای ملزم ساختن بانک‌ها به نگهداری سرمایه کافی به منظور کاهش ریسک‌ها همچون ریسک اعتباری و ریسک بازار برخوردار باشد.

۲- ناظر بایستی بانک‌ها را تشویق کند گزارشی درخصوص سیاست‌ها و رویه‌های مدیریت ریسک خود به صورت‌های مالی که برای عموم منتشر می‌کند ضمیمه نماید.

۳- ضروری است اطلاعات کافی در اختیار ناظران قرار گیرد به گونه‌ای که آن‌ها قادر باشند موسساتی را که به انجام مبادلات نقدینگی ارزی عمده می‌پردازند، شناسایی نمایند.

۴- در مواردی که بانک فعالیت‌های تجاری خود را به ارزش‌های گوناگون انجام می‌دهد، مقام نظارتی می‌بایست اطمینان حاصل نماید مدیریت بانک از درک و تشخیص مناسبی نسبت به عوامل ذیربط برخوردار است. استراتژی نقدینگی ارزش‌های خارجی به صورت مستقل تحت آزمون بحران قرار می‌گیرد و نتایج حاصل از این آزمون‌ها به عنوان عاملی برای تشخیص تناسب عدم تطابق‌ها* تلقی می‌شود.

(مافذ: " اصول مدیریت ریسک نرخ بهره- سپتامبر ۱۹۹۷" و " چارچوبی برای سنجش و مدیریت

نقدینگی- سپتامبر ۱۹۹۲")

* Mismatches.

اصل ۱۴: ناظران بانکی باید مطمئن شوند که بانک‌ها دارای کنترل‌های داخلی

مناسبی هستند که متناسب با ماهیت و مقیاس فعالیت آن‌ها می‌باشد.

این کنترل‌ها می‌بایست موارد ذیل را در برگیرد:

- ترتیبات مشخصی برای تفویض اختیار و مسئولیت
- تفکیک وظایف تعهدآور بانک، پرداخت وجوه و حسابداری دارایی‌ها و بدهی‌ها از یکدیگر
- رفع مغایرت از این فرآیندها
- محافظت از اموال بانک
- و حسابرسی مناسب و مستقل داخلی و خارجی و وظایف تطبیقی جهت آزمون میزان پای بندی به این کنترل‌ها و نیز به قوانین و مقررات ذیربط.

معیارهای ضروری:

۱- به منظور حصول اطمینان از اینکه کنترل موثری بر تمام جنبه‌های مدیریت

ریسک وجود دارد، باید قوانین بانکی یا شرکتی مسئولیت‌های هیات مدیره را

در خصوص اصول حاکمیت سهامی مشخص سازد.

۲- مقام نظارتی بایستی اطمینان حاصل نماید که کنترل‌های داخلی وضع شده در

بانک‌ها متناسب با ماهیت و مقیاس فعالیت آن‌ها می‌باشد. اعمال این کنترل‌ها از

مسئولیت‌های هیات مدیره محسوب شده و حسب ساختار سازمانی، رویه‌های

حسابداری، بازیابی‌ها و تطبیق و محافظت از اموال و سرمایه‌گذاری‌ها انجام

می‌شود. به طور مشخص‌تر، موارد ذیل را در بر می‌گیرد:

• ساختار سازمانی: تعریف وظایف و مسئولیت‌ها شامل تفویض اختیار (به

عنوان مثال: محدودیت‌ها و معیارهای شفاف برای تصویب وام)،

رویه‌های تصمیم‌گیری، تفکیک فعالیت‌های کلیدی (به عنوان مثال،
خاستگاه و هسته اصلی فعالیت، پرداخت‌ها، رفع مغایرت‌ها، مدیریت
ریسک، حسابداری، حسابرسی و تطبیق).

- رویه‌های حسابداری: رفع مغایرت از حساب‌ها، چک‌لیست‌ها، اطلاعات مدیریتی
- بازیابی و تطبیق (یا اصل نظارت دقیق): تفکیک وظایف، بازیابی متقابل، کنترل مضاعف دارایی‌ها، درج امضاها ۲ نفره.
- محافظت از اموال و سرمایه‌گذاری‌ها شامل کنترل فیزیکی.

۳- به منظور دستیابی به یک محیط کنترلی قوی، ناظر نیاز دارد که هیات مدیره و مدیریت ارشد بانک دارای درکی صحیح از ریسک‌های نهفته در فعالیت‌هایشان بوده و متعهد و مسئول در برابر محیط کنترلی باشند. از این‌رو، مقام نظارتی بایستی ترکیب هیات مدیره و مدیریت ارشد بانک را از این جهت که آن‌ها دارای مهارت‌ها و شناخت کافی از ماهیت و ابعاد فعالیت‌های بانک بوده و قادرند ریسک در حال تغییر بانک و پیشرفت‌های بازار بیرونی را بررسی نمایند، مورد مطالعه قرار دهد. هم‌چنین مقام نظارتی بایستی به منظور برآورده شدن معیارهای نظارتی، دارای اختیارات قانونی و کافی برای تغییر هر یک از اعضای هیات مدیره باشد.

۴- ناظر بایستی مطمئن شود که بین مهارت‌ها و منابع ادارات ستادی بانک و فعالیت‌های کنترلی با ادارات صفی آن بانک توازن مناسبی وجود دارد.

۵- مقام نظارتی بایستی اطمینان حاصل نماید که بانک‌ها از فعالیت حسابرسی مستقلی برای نیل به مقاصد ذیل برخوردارند.

- حصول اطمینان از اینکه سیاست‌ها و رویه‌های تعیین شده به عنوان مبنای عمل به کار می‌روند.

- بررسی این نکته که کنترل‌ها، روش‌ها و سیاست‌های موجود برای فعالیت‌های بانکی کافی و مناسب می‌باشند.

لازم است ناظر از انجام فعالیت حسابرسی مناسب در بانک متضمن موارد ذیل

اطمینان یابد:

- دسترسی بدون محدودیت به کلیه خطوط تجاری و ادارات تابعه بانک
- دارای استقلال مناسب شامل خطوط گزارش‌دهی به هیات مدیره و برخورداری از موقعیت مناسب داخل بانک به منظور حصول اطمینان از اینکه مدیریت ارشد واکنش‌های اصلاحی لازم را حسب توصیه‌های حسابرسان به عمل می‌آورد.

- برخورداری از منابع و نیروی انسانی به خوبی آموزش دیده و دارای تجربه مرتبط که قادرند درک و ارزیابی صحیحی از زمینه فعالیت مورد رسیدگی داشته باشند.

- استفاده از روشی که ریسک‌های کلیدی منتج از فعالیت‌های بانک را شناسایی نموده و متقابلاً تخصیص منابع به آن‌ها.

۶- مقام نظارتی بایستی به گزارش‌های حسابرسی واحد حسابرسی دسترسی داشته باشد.

معیارهای تکمیلی:

۱- در کشورهایی که از ساختار قانونگذاری واحد برخوردارند (بر خلاف ساختارهای حکومتی دو

مجلسی که دارای هیات نظارتی و مدیریتی می‌باشند)، مقام نظارتی می‌بایست هیات مدیره‌ها را ملزم به داشتن تعدادی اعضای مجرب غیراجرایی نماید.

۲- ضروری است بانک‌ها دارای یک سیستم حسابرسی داخلی باشند تا ناظر بتواند گزارش‌های حاصله را به کمیته حسابرسی منعکس سازد.

۳- در کشورهای با ساختار قانونگذاری واحد، مقام نظارتی بایستی کمیته حسابرسی را به برخورداری از تعدادی اعضای مجرب غیر اجرایی ملزم نماید.

(مافذ: "پارچوبی برای سیستم‌های کنترل داخلی در وامدهای بانکی- سپتامبر ۱۹۹۸")

اصل ۱۵: بازرسان باید مطمئن شوند که بانک‌ها دارای سیاست‌ها، رویه‌ها و روش‌های مکفی و مناسبی از جمله مقررات صریح مربوط به شناخت مشتری هستند که معیارهای عالی اخلاقی و حرفه‌ای را در بخش مالی ارتقا بخشیده و مانع از سوء استفاده عمدی یا سهوی قانون‌شکنان از بانک می‌شوند.

معیارهای ضروری:

۱- مقام نظارتی بایستی اطمینان یابد که بانک‌ها دارای سیاست‌ها، روش‌ها و رویه‌های مکفی که موجب ارتقای معیارهای عالی حرفه‌ای و اخلاقی شده و مانع از سوءاستفاده عمدی یا سهوی قانون‌شکنان از بانک می‌شوند، می‌باشند. این مهم متضمن ممانعت و کشف هرگونه فعالیت مجرمانه یا کلاهبرداری و گزارش چنین فعالیت‌های مشکوکی به مقامات ذیصلاح است.

۲- مقام نظارتی بایستی مطمئن شود که بانک‌ها در راستای اجرای بخشی از برنامه ضدپولشویی دارای سیاست‌های مکتوب و لازم‌الاجرا برای شناسایی مشتریان و یا کسانی هستند که به نمایندگی از آن‌ها عمل می‌کنند. هم چنین می‌بایست قوانین و مقررات شفاف در خصوص نوع سوابقی که ضروری است برای احراز هویت مشتری و معاملات اشخاص و دوره حفظ آن‌ها ثبت و ضبط شود، وجود داشته باشد.

۳- مقام نظارتی می‌بایست اطمینان حاصل نماید که بانک‌ها از رویه‌های رسمی برای شناخت عملیات بانکی مشکوک برخوردارند. دارا بودن اختیارات وسیع‌تر برای سپرده‌گذاری یا برداشت کلان (یا مورد مشابه) و نیز داشتن رویه‌های ویژه برای معاملات غیرمعمول از جمله این رویه‌ها می‌باشد.

۴- لازم است ناظر اطمینان یابد که بانک‌ها مدیران ارشدی با مسئولیت‌های

- مشخص منصوب نموده‌اند تا از اینکه سیاست‌ها و رویه‌های بانک، حداقل مطابق با مقررات و قوانین داخلی ضدپولشویی است، اطمینان حاصل کنند.
- ۵- ناظر می‌بایست مطمئن شود که بانک‌ها دارای رویه‌های شفاف می‌باشند که به کلیه کارکنان ابلاغ شده و آن‌ها را ملزم می‌کند عملیات بانکی مشکوک را در راستای اجرای برنامه ضدپولشویی، به مسئول ارشد تعیین شده در آن رابطه گزارش نمایند.
- ۶- مقام نظارتی می‌بایست اطمینان یابد که بانک‌ها از طریق ایجاد خطوط ارتباطی با مدیریت و حوزه حراست داخلی، تمهیدی را برای گزارش‌دهی مسائل و مشکلات فراهم نموده‌اند.
- ۷- علاوه بر گزارش‌دهی به مقامات قانونی ذیصلاح، بانک‌ها بایستی فعالیت‌های مشکوک و وقایع مهم مجرمانه را که به سلامت، ایمنی و شهرت بانک لطمه می‌زند به مقام نظارتی گزارش نمایند.
- ۸- قوانین، مقررات و یا سیاست‌های بانک‌ها بایستی پوشش حمایتی کافی برای کارکنانی که با حسن نیت معاملات مشکوک را به مسئولان ارشد مربوطه و یا حوزه حراست و یا مستقیماً به مقام ذیربط گزارش می‌دهند، فراهم سازد.
- ۹- لازم است مقام نظارتی به صورت ادواری کفایت رویه‌های کنترل داخلی بانک‌ها را برای مقابله با پولشویی و حفظ و شناسایی و گزارش‌دهی اعمال مجرمانه بررسی نماید. ضمناً ناظر می‌بایست از قدرت اجرایی کافی (قانونی و یا پیگیری کیفری) برای اقدام علیه بانک‌هایی که الزامات قانونی ضدپولشویی را رعایت نمی‌کنند، برخوردار باشد.
- ۱۰- برای مقام نظارتی بایستی به طور مستقیم یا غیرمستقیم امکان تبادل اطلاعات با مقامات نظارتی بخش مالی داخلی یا خارجی در خصوص فعالیت‌های مشکوک یا مجرمانه وجود داشته باشد.
- ۱۱- مقام نظارتی می‌بایست اطمینان یابد که بانک‌ها دارای منشور اخلاقی و اصول رفتاری حرفه‌ای هستند که به طور شفاف به کلیه کارکنان ابلاغ شده‌است.

معیارهای تکمیلی:

- ۱- قوانین و مقررات بایستی متضمن فعالیت‌های صحیح بین‌المللی نظیر تطبیق با ۴۰ توصیه گروه ویژه اقدام مالی منتشره در سال ۱۹۹۰ باشد.
- ۲- مقام نظارتی می‌بایست مطمئن شود که کارکنان بانک در خصوص کشف و مقابله با پولشویی از آموزش‌های کافی برخوردار هستند.
- ۳- ناظر قانوناً ملزم است مقامات ذیصلاح را از هرگونه عملیات مالی مشکوک مطلع نماید.
- ۴- مقام نظارتی می‌بایست بتواند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم با مقامات قضایی ذیصلاح در خصوص فعالیت‌های مجرمانه یا مشکوک تبادل اطلاعات نماید.
- ۵- در صورت عدم امکان بهره‌گیری از موسسات دیگر، ناظر بایستی از کارشناسان متخصص داخلی در زمینه الزامات ضد پولشویی و تخلفات مالی برخوردار باشد.

(مافذ: "ممانعت از اقدامات فلاف قانون بانک‌ها در راستای قانون ضد پولشویی- دسامبر ۱۹۸۸")

اصل ۱۶ - یک سیستم نظارت بانکی موثر می‌بایست مشتمل بر اشکالی از هر دو شیوه نظارت حضوری و غیرحضوری باشد.

نکته : پرداختن به این اصل مستلزم در نظر داشتن توأمان اصول ۱۷ تا ۲۰ می‌باشد.

معیارهای ضروری:

۱- نظارت بانکی مستلزم درک عمیق و تحلیل و ارزیابی دوره‌ای بانک‌ها بوده، بر ایمنی و سلامت آن‌ها تاکید داشته و مبتنی بر برگزاری جلساتی با مدیریت و ترکیبی از هر دو نوع شیوه نظارت حضوری و غیرحضوری می‌باشد. ناظر دارای چارچوبی است که از نظارت حضوری (که یا توسط کارکنان مقام نظارتی یا توسط حسابرسان خارج از سازمان انجام می‌گیرد) به عنوان ابزار مقدماتی به منظور نیل به مقاصد ذیل استفاده می‌کند:

- دستیابی به شواهدی که مؤید وجود حاکمیت سهامی مستقل در بانک‌ها (شامل مدیریت ریسک و سیستم‌های کنترل داخلی) می‌باشد.
- حصول اطمینان از این که اطلاعات ارائه شده توسط بانک‌ها موثق و قابل اتکا است.
- کسب اطلاعات اضافی مورد نیاز برای ارزیابی وضعیت بانک.

۲- هم چنین ناظر از شیوه نظارت غیرحضوری نیز به عنوان ابزاری برای تحقق اهداف ذیل بهره می‌گیرد:

- بررسی و تحلیل شرایط مالی بانک‌ها با بهره‌گیری از گزارش‌های احتیاطی، نتایج آماری و دیگر اطلاعات مرتبط از جمله اطلاعات انتشار یافته در سطح عموم.
- نظارت بر روندها و پیشرفت‌های کلیت نظام بانکی.

- ۳- مقام نظارتی می‌بایست میزان انطباق با مقررات احتیاطی و دیگر الزامات قانونی را از طریق نظارت‌های حضوری و غیرحضوری مورد بررسی قرار دهد.
- ۴- ضروری است ترکیبی مناسب از شیوه نظارت حضوری یا غیرحضوری، حسب شرایط و عوامل مختص هر کشور تعیین شود. در هر صورت، چارچوب نظارتی می‌بایست با یکپارچه نمودن هر دو شیوه موجب حداکثر نمودن هم‌افزایی و اجتناب از خلأهای نظارتی شود.

معیارهای تکمیلی:

- ۱- مقام نظارتی می‌بایست به منظور ارزیابی کارایی هریک از دو روش نظارتی از رویه‌هایی برخوردار باشد تا در صورت وجود ضعف نسبت به رفع آن اقدام نماید.
- ۲- مقام نظارتی باید از این اختیار برخوردار باشد تا به گزارش‌های حساب‌برسان داخلی یا مستقل که به هیات مدیره ارائه شده دسترسی یابد.
- ۳- مقام نظارتی می‌بایست از روشی برای تعیین و ارزیابی ماهیت، اهمیت و دامنه ریسک‌هایی که کلیه بانک‌ها در معرض آن‌ها قرار دارند از جمله تمرکز فعالیت، مختصات ریسک و محیط کنترل داخلی برخوردار باشد. شیوه‌های نظارتی حسب نتایج حاصل از این ارزیابی‌ها اولویت‌بندی می‌شوند.
- ۴- به موجب قانون، مقام نظارتی مکلف است اطلاعات دریافتی را به عنوان بخشی از فرآیند نظارت محرمانه نزد خود نگهداری نماید ولیکن، ناظر از اختیارات قانونی برای افشای اطلاعات در شرایط خاص برخوردار است. گرچه قانون، افشای اطلاعات را منع نموده، اما در مواردی که مقام نظارتی از حفظ اطلاعات نزد دریافت‌کننده آن اطمینان دارد و یا افشای اطلاعات به حکم قانون ضرورت می‌یابد، مجاز است اطلاعات را در اختیار دیگران قرار دهد.
- ۵- ناظر می‌تواند به نتایج عملیات حسابرسی داخلی که به صورت مستقل و دقیق انجام می‌پذیرد، اتکا و اکتفا نماید.

اصل ۱۷ - بازرسان می‌بایست به طور منظم با مدیریت بانک در تماس بوده و درک جامعی از عملیات آن موسسه داشته باشند.

معیارهای ضروری

- ۱- مقام نظارتی می‌بایست براساس میزان ریسک مترتب به هر بانک، برنامه‌ای برای برگزاری جلسات منظم با مدیریت عالی و میانی (شامل هیات مدیره، اعضای غیرموظف هیات مدیره و رؤسای ادارات) داشته باشد تا امکان تبادل نظر در خصوص مباحث اجرایی چون استراتژی، ساختار سازمانی، حاکمیت سهامی، عملکرد، کفایت سرمایه، نقدینگی، کیفیت دارایی‌ها و سیستم‌های مدیریت ریسک فراهم شود.
- ۲- مقام نظارتی می‌بایست از درکی جامع نسبت به فعالیت‌های بانک برخوردار باشد. این مهم از طریق انجام ترکیبی از نظارت‌های غیرحضور، بازرسی‌های حضوری و جلسات منظم قابل تحقق است.
- ۳- بانک‌ها می‌بایست ملزم شوند ناظر را از هرگونه اعمال تغییر در فعالیت‌هایشان یا تحولات مهم نامطلوب هم‌چون نقض الزامات احتیاطی و قانونی مطلع سازند.
- ۴- مقام نظارتی می‌بایست به عنوان یکی از معیارهای مورد نظر هنگام صدور مجوز و حین فرآیند نظارت مستمر خود، کیفیت مدیریت و اداره بانک را مدنظر قرار دهد.

اصل ۱۸ - ناظران بانکی باید دارای ابزارهایی باشند که به وسیله آنها، گزارش‌های احتیاطی و اطلاعات آماری را - به صورت تلفیقی و انفرادی - از بانک‌ها گردآوری نموده و آنها را مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل قرار دهند*.

معیارهای ضروری:

۱- مقام نظارتی می‌بایست دارای اختیار قانونی برای ملزم ساختن بانک‌ها به گزارش شرایط مالی و عملکردشان در فواصل زمانی منظم - به صورت انفرادی و تلفیقی - باشد. این گزارش‌ها متضمن اطلاعاتی درخصوص دارایی‌ها و بدهی‌های بالا و زیرخط ترازنامه، سود و زیان، کفایت سرمایه، نقدینگی، منابع کلان در معرض ریسک، ذخایر زیان‌های ناشی از تسهیلات مشکوک‌الوصول، ریسک بازار و منابع سپرده‌ها می‌باشند.

۲- قوانین و مقررات موضوعه و یا مقام نظارتی می‌بایست حسب اختیارات قانونی خود، هنجارها و اصولی را درخصوص یکپارچه‌سازی حساب‌ها و هم‌چنین روش‌های حسابداری لازم‌الرعا به تدوین نمایند.

۳- ناظر می‌بایست از ابزارهایی برای ملزم ساختن بانک به رعایت الزامات برخوردار باشد تا بدین ترتیب اطلاعات درخواستی به هنگام و صحیح ارائه گردند. مقام نظارتی بایستی سطوح مناسبی از مدیریت ارشد را به عنوان مسئول صحت گزارشات نظارتی تعیین نماید و مجاز به اعمال مجازات‌هایی برای موسساتی است که به طور عمدی گزارشات ناصحیح ارائه و یا خطاهایی را به طور مستمر تکرار می‌کنند. هم‌چنین ناظر می‌بایست الزام نماید تا اطلاعات نادرست اصلاح شوند.

* این اصل ناظر بر حسابداری تلفیقی است که با بهره‌گیری از ابزارهای مختلف برای کل بانک اعمال می‌شود. به عبارت دیگر نه تنها شعب بانک را در بر می‌گیرد بلکه، واحدهای تابعی نیز که بانک بر آنها کنترل قابل ملاحظه‌ای دارد، مدنظر قرار خواهند گرفت.

۴- اطلاعاتی که می‌بایست ارائه شوند عبارتند از: گزارش‌های استاندارد آماری و احتیاطی، جزئیات ترازنامه و صورت سود و زیان و هم چنین فهرست‌های تکمیلی که جزییاتی را درخصوص فعالیت‌های بالا و زیرخط ترازنامه و نیز میزان ذخایر موجود در سرمایه ارائه می‌کند. به علاوه، انتشار اطلاعاتی درخصوص تسهیلات اعطایی و ذخیره‌گیری نیز ضروری است.

۵- در صورتی که مقام نظارتی دریافت اطلاعات را برای ارزیابی وضعیت مالی بانک یا ریسک‌های مترتب بر آن ضروری بداند، مجاز به درخواست و دریافت هرگونه اطلاعات ذی‌ربط از بانک‌ها و شرکت‌های مرتبط با آن‌ها بدون در نظر داشتن زمینه فعالیتشان می‌باشد.

۶- ناظر می‌بایست به منظور نظارت مستمر بر شرایط و عملکرد بانک‌ها از چارچوبی تحلیلی که از اطلاعات احتیاطی و آماری تامین می‌شود برخوردار باشد. نتایج حاصل از این تحلیل‌ها به عنوان بخشی از فرآیند برنامه‌ریزی و نظارت حضوری مورد استفاده قرار می‌گیرند. این امر مستلزم برخورداری از یک سیستم اطلاعاتی کافی توسط ناظر می‌باشد.

۷- به منظور انجام مقایسه‌های معنی‌دار بین بانک‌ها، ناظر می‌بایست اطلاعاتی را از کلیه بانک‌ها و موسسات مربوط به آن‌ها براساس چارچوبی مقایسه‌ای، هم در زمان‌های مشابه و مشخص و هم به صورت دوره‌ای (روند) اخذ نماید.

۸- مقام نظارتی می‌بایست متناسب با ماهیت اطلاعات درخواستی، اندازه، فعالیت‌ها و میزان ریسک مترتب بر آن‌ها، داده‌هایی را از کل بانک‌ها به صورت ادواری (مثلاً: ماهانه، فصلی و سالانه) دریافت نماید.

اصل ۱۹ - ناظران بانکی باید ابزارهایی را جهت ارزیابی مستقل اطلاعات نظارتی - یا از طریق بررسی‌های حضوری و یا توسط حسابرسان خارجی - در اختیار داشته باشند.

معیارهای ضروری:

۱- مقام نظارتی، حسب ضرورت می‌بایست دارای فرآیندی منسجم برای برنامه‌ریزی و اجرای بازرسی‌های حضوری با استفاده از بازرسان داخلی یا بهره‌گیری از گزارش‌های حسابرسان خارجی باشد. به منظور حصول اطمینان از این که بازرسی‌ها به طور کامل و سازگار با مسئولیت‌ها، اهداف و نتایج مشخص انجام می‌پذیرند، لازم است روش‌ها و خط مشی‌هایی وجود داشته باشد.

به منظور تبادل نظر در خصوص نتایج کار ارائه شده توسط حسابرسان مستقل و اجماع نظر روی مسئولیت‌های مربوط به اقدامات اصلاحی، مقام نظارتی می‌بایست جلساتی را با بانک‌ها و حسابرسان آنها برگزار نماید.

۲- در راستای اهداف نظارتی، مقام نظارتی می‌بایست از اختیار کافی برای نظارت بر کیفیت کار حسابرسان مستقل برخوردار باشد. هم‌چنین ناظر می‌بایست به منظور انجام وظایف نظارتی، برای تعیین مستقیم حسابرسان مستقل یا مخالفت با انتصاب یک حسابرس مستقل که به نظر از تخصص کافی برخوردار نبوده یا فاقد استقلال است، دارای اختیار قانونی باشد.

۳- مقام نظارتی می‌تواند برای جنبه‌های معینی از عملیات بانک‌ها از حسابرسان مستقل استفاده کند. مشروط بر این که حسابرس مستقل، از نظر حرفه‌ای به حسابداری و حسابرسی مسلط بوده و از مهارت‌های لازم برای انجام کار مورد نظر برخوردار باشد. درچنین شرایطی مسئولیت‌ها و نقش‌های مربوط به هر یک، می‌بایست توسط مقام نظارتی به صورت کاملاً شفاف تبیین گردد.

۴- مقام نظارتی به منظور پیش‌برد فرآیند نظارتی باید دارای اختیار قانونی برای

دسترسی کامل به کلیه سوابق بانک باشد. هم چنین ناظر می‌بایست حسب ضرورت به اعضای هیات مدیره، مدیریت و کارکنان دسترسی داشته باشد.

۵- به منظور بررسی ادواری گزارش‌های نظارتی تدوین شده توسط بازرسان داخلی یا حسابرسان خارجی، ناظر می‌بایست دارای برنامه‌ای باشد. ضروری است گزارش‌های نظارتی پر اهمیت نظیر کفایت سرمایه، حداقل به صورت سالانه توسط حسابرسان بررسی و طی گزارشی به مقام نظارتی ارائه شود.

معیارهای تکمیلی:

- ۱- به منظور تبادل نظر در خصوص نتایج بررسی‌های نظارتی و گزارش‌های حسابرسی، ناظر بایستی جلساتی را با مدیریت و اعضای هیات مدیره به صورت سالانه برگزار نماید. امکان انجام دیدارهای جداگانه با هر یک از اعضای هیات مدیره بایستی برای ناظر فراهم باشد.
- ۲- به منظور بحث و تبادل نظر در خصوص موضوعات مشترک مرتبط با عملیات بانکی، مقام نظارتی می‌بایست به صورت ادواری جلساتی را با شرکت‌های حسابرسی مستقل برگزار نماید.

(مافذ: "روابط فی‌مابین ناظران بانکی و حسابرسان مستقل-ژوئیه ۱۹۸۹")

اصل ۲۰ - توانایی بازرسان در نظارت یکپارچه بر روی یک گروه بانکی، عاملی ضروری

برای نظارت بانکی محسوب می‌شود.*

معیارهای ضروری:

۱- ناظر می‌بایست از ساختار کلی بانک (شامل خود بانک و واحدهای تابعه) یا گروه‌های بانکی آگاه بوده و دارای شناختی جامع از فعالیت‌های کلیه بخش‌های مهم این گروه‌ها از جمله آن‌هایی که مستقیماً توسط موسسات دیگر نظارت می‌شوند، باشد.

۲- مقام نظارتی می‌بایست از یک چارچوب نظارتی به منظور ارزیابی ریسک‌های مترتب بر بانک‌ها یا گروه بانکی که ناشی از انجام فعالیت‌های غیربانکی توسط آن‌ها بوده، برخوردار باشد.

۳- ناظر باید برای بررسی کلیه فعالیت‌های یک بانک دارای اختیار قانونی باشد. این بررسی‌ها شامل فعالیت‌هایی است که به طور مستقیم توسط بانک (از جمله دفاتر فرآمرزی آن) و یا غیر مستقیم توسط شرکت‌های وابسته بانک انجام می‌پذیرد.

۴- در نظارت مستقیم یا غیر مستقیم بر کلیه شرکت‌های تابعه و وابسته یک بانک، نمی‌بایست هیچ‌گونه مانع و مشکلی وجود داشته باشد.

۵- قوانین و مقررات و یا مقام نظارتی، حسب اختیار قانونی خود، می‌بایست استانداردهای احتیاطی را به صورت یکپارچه برای بانک‌ها وضع نمایند. ناظر با

* نظارت یکپارچه گروه‌های بانکی فراتر از حسابداری تلفیقی (یکپارچه) می‌باشد. نظارت یکپارچه متضمن رویکردی کل‌گرا به نظارت بوده به گونه‌ای که در آن کلیه ریسک‌های حاصل از فعالیت گروه بانکی در محل وقوع آن‌ها مدنظر قرار می‌گیرد، باید توجه داشت که نظارت یکپارچه و حسابداری تلفیقی جنبه‌های کلیدی نظارت بر گروه‌های بانکی به شمار می‌آیند.

استفاده از اختیار خود برای وضع استانداردهای احتیاطی، به صورت یکپارچه، مواردی همچون کفایت سرمایه، سقف تسهیلات کلان و حدود وام‌دهی را تعیین می‌کند.

۶- ناظر می‌بایست اطلاعات مالی یکپارچه مربوط به هر یک از بانک‌ها را گردآوری نماید.

۷- در صورت ضرورت و به منظور دریافت اطلاعات راجع به وضعیت مالی و کفایت و قابلیت مدیریت ریسک و کنترل عملیات مختلف یک واحد بانکی، ناظر می‌بایست مناسبات و روابطی را با ناظران تخصصی هر یک از زمینه فعالیت‌های یک مجموعه بانکی داشته باشد.

۸- مقام نظارتی از اختیار قانونی برای محدود نمودن دامنه فعالیت‌هایی که گروه بانکی انجام می‌دهد یا موقعیت‌های فرامرزی که فعالیت‌ها می‌توانند در آن انجام پذیرند، برخوردار است. ناظر از این اختیار قانونی برای حصول اطمینان از این که فعالیت‌های بانک به نحو مناسبی نظارت شده و سلامت و اعتبار بانک به مخاطره نمی‌افتد، بهره می‌گیرد.

معیارهای تکمیلی:

۱- در کشورهایی که مالکیت شرکتی بانک‌ها در آن‌ها مجاز است، موارد ذیل می‌بایست مورد توجه قرار گیرد:

- به منظور تعیین صحت و سلامت بانک، مقام نظارتی باید از اختیار قانونی برای بررسی فعالیت‌های شرکت‌های مادر و شرکت‌های وابسته آن‌ها برخوردار باشد.
- مقام نظارتی باید برای انجام اقدامات اصلاحی، از جمله اعمال محدودیت برای دسترسی به منابع در خصوص شرکت‌های مادر و واحدهای وابسته غیربانکی آن‌ها در مورد موضوعاتی که بر سلامت و صحت بانک تاثیرگذار است، دارای اختیار قانونی باشد.

• ناظر باید استانداردهای مناسبی را برای مالکان و مدیریت ارشد

شرکت‌های مادر وضع و به مورد اجرا درآورد.

(مافذ: " نظارت یکپارچه بانک‌ها: فعالیت‌های بین‌المللی- مارس 1979" و " نظارت بر بانک‌های

فرامرزی- اکتبر ۱۹۹۶")

اصل ۲۱ - ناظران بانکی می‌بایست مملکتی شوند که هر بانک سوابق کافی از فعالیت‌های خود را نگهداری می‌کند. سوابقی که براساس خطا مشی‌ها و شیوه‌های رایج حسابداری تهیه شده و برای بازرسان این امکان را فراهم می‌کند که تصویری واقعی و منصفانه از وضعیت مالی و سودآوری عملیات تجاری آن کسب نمایند. به علاوه، باید اطمینان حاصل شود که بانک نسبت به انتشار منظم صورت‌های مالی خود اقدام می‌کند. صورت‌هایی که وضعیت آن بانک را به طور کامل منعکس می‌نمایند.

معیارهای ضروری:

- ۱- به منظور حصول اطمینان از این که سیستم‌های ثبت و ضبط سوابق مالی و داده‌های منتج از آن از قابلیت اتکا و اعتماد کافی برخوردار است، مقام نظارتی می‌بایست مدیریت را به عنوان مسئول حسن اجرای این مهم تعیین تا گزارش‌های مورد نیاز بخش نظارت به صورت منظم و صحیح ارائه شوند.
- ۲- ناظر می‌بایست مدیریت را ملزم سازد گزارش‌های مدیریتی و صورت‌های مالی سالانه را پیش از انتشار به تأیید مراجع ذی صلاح از جمله حسابرسان مستقل برساند.
- ۳- مقام نظارتی می‌بایست اطمینان یابد که اطلاعات دریافتی از بانک‌ها به صورت دوره‌ای از طریق بازرسی‌های حضوری و یا توسط حسابرسان مستقل تأیید می‌شوند.
- ۴- لازم است ناظر از وجود خطوط ارتباطی آزاد با حسابرسان مستقل اطمینان حاصل نماید.
- ۵- ناظر می‌بایست با ارائه دستورالعمل‌هایی برای تدوین گزارش، اطمینان یابد که در گزارش‌های نظارتی استانداردهای حسابداری مورد استفاده قرار می‌گیرند.

چنین استانداردهایی مبتنی بر اصول حسابداری و قواعد پذیرفته شده بین‌المللی که مشخصاً در موسسات بانکی کاربرد دارند، می‌باشند.

۶- ضروری است بانک‌ها ملزم شوند از روش‌هایی برای ارزش‌گذاری استفاده نمایند که واقعی، منطقی و حساب شده باشند. به گونه‌ای که هر جا که لازم است قیمت‌های جاری مورد محاسبه قرار گرفته و سود نیز پس از کسر ذخایر مناسب اعلام گردد.

۷- در شرایط مقتضی به موجب قوانین و مقررات موضوعه و یا حسب اختیارات قانونی مقام نظارتی، لازم است حیثه‌ها و استانداردهایی که برای انجام حسابرسی مستقل هر بانک به آن عمل می‌شود، مشخص گردد و انتشار عمومی صورت‌های مالی بانک‌ها نیز می‌بایست مشروط به تأیید قبلی مراجع ذی‌صلاح باشد.

۸- مقام نظارتی می‌بایست قادر به حفظ جنبه‌های محرمانه اطلاعات حساس بانک‌ها باشد.

۹- مقام نظارتی می‌بایست بانک‌ها را ملزم به ارائه صورت‌های مالی سالیانه نماید که مبتنی بر روش‌ها و استانداردهای پذیرفته شده بین‌المللی حسابرسی شده‌اند.

۱۰- ناظر مجاز به فسخ قرارداد حسابرسان یک بانک می‌باشد.

۱۱- در مواردی که ناظر به گزارش‌های حسابرسان مستقل (به جای اتکا به کارکنان خود) استناد می‌کند، بانک‌ها می‌بایست از حسابرسان خوش‌نام مورد تأیید ناظر که دارای مهارت‌های حرفه‌ای ضروری و استقلال کاری برای انجام مسئولیت‌های خویش هستند، بهره‌گیرند.

معیارهای تکمیلی:

۱- به منظور فراهم نمودن پایه و اساسی برای نظم موثر بازار، ناظر می‌بایست افشای عمومی و ادواری اطلاعاتی را که به هنگام و دقیق ارائه می‌شوند و از جامعیت کافی نیز برخوردارند، تشویق نماید.

۲- مقام نظارتی می‌بایست به منظور حصول اطمینان از اینکه به زمینه‌هایی هم‌چون پرتفوی وام، ذخایر مطالبات سوخت شده، وام‌های بازپرداخت نشده، ارزیابی دارایی‌ها، فعالیت‌های انجام شده در زمینه خرید و فروش اوراق بهادار و سایر اوراق بهادار، ابزارهای مشتقه تبدیل دارایی‌ها به اوراق بهادار و کیفیت کنترل‌های داخلی درخصوص گزارش‌دهی مالی توجه کافی شده دارای دستورالعمل‌هایی باشد که حوزه و اجرای برنامه‌های حسابرسی را در برگیرد.

۳- حساب‌رسان موظفند موضوعاتی را که از اهمیت بالا برخوردارند به مقام نظارتی گزارش نمایند. مواردی همچون تخطی از ضوابط اعطای مجوز و یا نقض قوانین بانکی و یا سایر مقررات مربوط. قانون از حساب‌ری به هنگام عدم رعایت حفظ محرمانه اطلاعات (اصل رازداری) مشروط به این که براساس سوءنیت نبوده، حمایت می‌کند.

۴- حساب‌رسان باید به موجب قانون مکلف شوند موضوعاتی را که حین بررسی اطلاعات، دارای اهمیت بالایی برای فعالیت ناظران تشخیص می‌دهند، به آن‌ها گزارش نمایند.

اصل ۲۲ - ضروری است ناظران بانکی ابزارهای مناسبی در اختیار داشته باشند تا مواقعی که بانکها در تامین الزامات احتیاطی (از قبیل حداقل نسبت‌های کفایت سرمایه) تصور ورزیده یا از ضوابط نظارتی سرپیچی کرده و یا هنگامی که منافع سپرده‌گذاران به هر طریق دیگری در معرض خطر قرار گیرد، نسبت به انجام به موقع اقدامات اصلاحی اقدام نمایند. در شرایط حاد، این امر می‌بایست شامل توانایی بازرسان در ابطال مجوز بانکی یا پیشنهاد لغو آن باشد.

معیارهای ضروری:

۱- مقام نظارتی می‌بایست از اختیار کافی - با پشتوانه اختیار اعمال مجازات‌های قانونی - به منظور انجام طیفی از اقدامات اصلاحی مناسب و اعمال جرایم علیه بانک‌ها حسب میزان حاد بودن وضعیت برخوردار باشد. این اقدامات اصلاحی عموماً به هنگام بروز مشکلاتی چون عدم برآورده ساختن الزامات احتیاطی و نقض مقررات به کار گرفته می‌شود. اقدامات مذکور دامنه‌ای از واکنش‌ها از تذکر شفاهی یا کتبی به مدیریت بانک تا لغو و ابطال مجوز بانک را در بر دارد.

۲- از جمله دیگر اقدامات اصلاحی علاوه بر موارد پیش گفته که طیف وسیعی را نیز شامل می‌شود، می‌توان به محدود نمودن فعالیت‌های جاری بانک، عدم موافقت با فعالیت‌های جاری بانک، عدم موافقت با فعالیت‌ها و خریدهای جدید، اعمال محدودیت یا تعلیق پرداخت‌ها به سهامداران یا خریداران جدید سهام، محدود کردن نقل و انتقال دارایی‌ها، منع افراد از فعالیت در عرصه بانکداری، تغییر مدیران و یا اعضای هیات مدیره و یا تحدید قدرت آنان، کنترل مالکان، فراهم نمودن تمهیداتی برای فروش یا ادغام با موسسات دیگر و اعمال اقدامات حفاظتی اشاره نمود.

۳- مقام نظارتی می‌بایست اطمینان یابد که اقدامات اصلاحی مبتنی بر یک برنامه زمان‌بندی شده و به موقع اجرا خواهد شد.

۴- مقام نظارتی می‌تواند جرایم و مجازات‌هایی را نه تنها برای بانک که در صورت ضرورت علیه مدیریت و اعضای هیات مدیره نیز اعمال نماید.

معیارهای تکمیلی:

۱- قوانین یا مقررات می‌بایست به گونه‌ای تدوین شوند که امکان تاخیر در انجام اقدامات اصلاحی مناسب پیشنهادی ناظران بانکی را کاهش دهد.

۲- ناظر می‌بایست کلیه اقدامات اصلاحی مهم را به صورت مکتوب به اعضای هیات مدیره ابلاغ و در مقابل نیز آن‌ها را ملزم به ارائه مکتوب گزارش‌های پیشرفت کار نماید.

اصل ۲۳ - لازم است بازرسان بر روی آن گروه از واحدهای بانکی خود که در سطح بین‌المللی فعال هستند نظارت تلفیقی جامعی را اعمال نمایند. این امر می‌تواند از طریق نظارت کافی و به کارگیری ضوابط احتیاطی مناسب برای کلیه جوانب فعالیت‌های بین‌المللی انجام شده توسط این گروه از واحدهای بانکی - به ویژه در شعب خارجی، سرمایه‌گذاری مشترک و واحدهای تابعه آنها - صورت پذیرد.

معیارهای ضروری:

۱- مقام نظارتی باید از اختیار قانونی برای نظارت بر فعالیت‌های بین‌المللی بانک‌های ثبت شده در داخل کشور برخوردار باشد.

۲- ناظر می‌بایست اطمینان یابد که مدیریت نظارت مناسبی بر شعب خارجی بانک، سرمایه‌گذاری‌های مشترک و واحدهای تابعه آنها دارد. هم چنین ناظر بایستی مطمئن شود که مدیریت دفاتر برون‌مرزی بانک از تجربه و تخصص کافی برای هدایت و رهبری فعالیت‌ها به شیوه‌ای مطمئن و صحیح برخوردار می‌باشد.

۳- مقام نظارتی می‌بایست حیطه نظارت مدیریت بانک را مشخص سازد. این نظارت بایستی در برگرفته موارد ذیل باشد:

الف - اطلاعات دریافتی درخصوص فعالیت‌های برون‌مرزی بانک باید از حیث کفایت و توالی در سطح مطلوبی بوده و صحت و سقم آن به صورت ادواری مورد تأیید قرار گیرد.

ب - ارزیابی میزان انطباق با کنترل‌های داخلی

ج - اطمینان از نظارت محلی موثر بر فعالیت‌های برون‌مرزی.

۴- چنانچه بازررس کشور مبدا دربابد که نظارت بر فعاليت‌های محلی شعب خارجی بانک توسط مدیریت و یا بازررس کشور مقصد نسبت به ريسک‌هایی که بانک متحمل می‌شود، کافی نیست می‌تواند نسبت به توقف فعاليت‌های آن شعبه و یا اعمال محدودیت بر فعاليت‌هایش اقدام نماید.

معیارهای تکمیلی:

۱- مقام نظارتی در فرآیند ارزیابی می‌بایست حسب ضرورت و در مواقع مناسب دارای اختیار قانونی و منابع کافی برای انجام بازرسی‌های حضوری و یا دریافت گزارش‌های تکمیلی از دفاتر برون‌مرزی بانک باشد.

۲- مقام نظارتی می‌بایست اطمینان یابد که مدیریت محلی بر فعاليت‌های برون‌مرزی دفتر نظارت دقیق و جدی اعمال می‌کند. به ویژه در مواقعی که ريسک بیشتری بر فعاليت‌های برون‌مرزی مترتب است و یا آن‌ها فعاليت‌هایی کاملاً متفاوت از آنچه که در کشور متبوعشان صورت می‌پذیرد، انجام می‌دهند و یا فعاليت‌های مشابه را به شیوه ای کاملاً متمایز و متفاوت از روش‌های اصلی که مدنظر بانک است، به انجام می‌رسانند.

۳- ناظر می‌بایست ترتیباتی را برای بازدید دوره‌ای از دفاتر برون‌مرزی بانک اتخاذ نموده و به طور منظم اندازه و ريسک مترتب بر فعاليت‌های برون‌مرزی آن‌ها را ارزیابی نماید. حین این بازرسی‌ها، جلساتی نیز با ناظران محلی برگزار می‌شود.

۴- بازررس کشور مبدا می‌بایست کیفیت ارزیابی‌ها و نظارت‌های اعمال شده در کشورهایی را که بانک‌های متبوعشان در آنجا دارای فعاليت‌های عمده هستند، مورد بررسی قرار دهد.

(مافذ: "اصول نظارت بر بانک‌ها، تشکیلات برون‌مرزی- می ۱۹۸۳"؛ "استانداردهای مداخلی برای

نظارت بر گروه‌های بانکی بین‌المللی و دفاتر فرامرزی آنها- ژوئیه ۱۹۹۲" و "نظارت بر بانکداری

برون‌مرزی- اکتبر ۱۹۹۶")

اصل ۲۴ - ایجاد تماس و تبادل اطلاعات با سایر بازرسان ذی ربط به ویژه با مراجع

نظارتی کشور میزبان، بخش مهمی از نظارت تلفیقی را تشکیل می‌دهد.

معیارهای ضروری:

۱- به منظور تبادل اطلاعات مناسب پیرامون شرایط مالی و عملکرد چنین فعالیت‌هایی در کشور میزبان، مراجع نظارتی کشور مبدأ می‌بایست برای فعالیت‌های فرامرزی بانک‌های تحت نظارت خود، ترتیبات رسمی یا غیر رسمی (نظیر امضای تفاهم نامه) با مراجع نظارتی کشور مقصد اتخاذ نمایند. این ترتیبات در برگیرنده ساز و کارهایی به منظور آگاهی از ارزیابی‌های نامطلوب جنبه‌های کیفی فعالیت‌های بانک همچون کیفیت مدیریت ریسک و چگونگی اعمال کنترل‌ها در دفاتر مستقر در کشور میزبان می‌باشد.

۲- مقام نظارتی می‌بایست مانع از انجام عملیات بانک‌های خود در کشورهایی شوند که به دلیل برخورداری از قوانین رازداری و سایر مقررات، از گردش اطلاعات لازم برای انجام اقدامات نظارتی مناسب ممانعت به عمل می‌آورند.

۳- مقام نظارتی کشور مبدأ می‌بایست اطلاعاتی را در زمینه‌هایی همچون دفاتر و واحدهای تابعه مستقر در کشور مقصد، چارچوب کلی از مقوله نظارت که گروه بانکی براساس آن عمل می‌کند و تا حد متناسب و معقولی مسایل و چالش‌های فرا روی دفتر مرکزی و گروه بانکی به ناظران کشور میزبان ارائه دهد.

معیارهای تکمیلی:

۱- ناظرانی که براساس اطلاعات دریافتی از مقام نظارتی دیگر اقدام می‌نمایند، تا حد امکان می‌بایست پیش از هرگونه اقدامی نظرات مشورتی آن ناظر را جویا شوند.

۲- ناظران کشور مبدأ حتی در مواردی که بانک‌های تحت نظارت به فعالیت‌های فرامرزی عمده و قابل ملاحظه‌ای مبادرت نمی‌نمایند می‌بایست به تبادل اطلاعات با ناظران کشور میزبان ادامه دهند.

(مافذ: همان منابع اصل ۲۳)

اصل ۲۵ - ناظران بانکی می‌بایست بانک‌های خارجی را ملزم نمایند فعالیت‌های محلی خود را مطابق با استانداردهای عالی مشابهی انجام دهند که موسسات داخلی نیز ملزم به رعایت آنها هستند. هم چنین لازم است بازرسان مذکور از اختیارات لازم جهت مبادله اطلاعات با بازرسان کشور مبدا برخوردار باشند تا بدین وسیله بتوانند نظارتی تلفیقی را به اجرا درآورند.

معیارهای ضروری:

- ۱- شعب و واحدهای تابعه محلی بانک‌های خارجی می‌بایست تابع الزامات احتیاطی، نظارتی و گزارش‌دهی مشابه بانک‌های محلی باشند.
- ۲- در راستای فرآیند مجوز دهی و هم چنین اعمال نظارت مستمر، مقام نظارتی کشور میزبان باید مشخص نماید که آیا ناظر کشور مبدا نظارت کلی یکپارچه‌ای را اعمال می‌کند.
- ۳- ناظر کشور میزبان پیش از صدور مجوز می‌بایست دریافت تأییدیه بازرس کشور مبدا را احراز نماید.
- ۴- مقام نظارتی کشور میزبان می‌بایست اطلاعاتی را درخصوص فعالیت‌های محلی بانک‌های خارجی به بازرسان کشور مبدا ارائه کند مشروط بر آن که از جنبه محرمانه اطلاعات محافظت شود.
- ۵- بازرسان کشور مبدا می‌بایست از امکان بازرسی حضوری دفاتر و واحدهای تابعه محلی به منظور حصول اطمینان از صحت و سلامت آن‌ها برخوردار باشند.
- ۶- مقام نظارتی کشور میزبان می‌بایست به صورت منظم، هرگونه اقدامات اصلاحی مهم اعمال شده درخصوص بانک‌های خارجی را به اطلاع بازرسان کشور مربوطه برساند.

معیارهای تکمیلی:

- ۱- مقام نظارتی کشور میزبان می‌بایست درخصوص گروه بانکی اطلاعات کافی را از ناظران کشور مبدا اخذ نماید تا قادر به اعمال نظارت کافی و مناسب بر فعالیت‌های انجام شده در محدوده تحت نظارتش گردد.

(مافذ: همان منابع اصل ۲۳)

پیوست

”ساختار و روش‌شناسی گزارش‌های ارزیابی تهیه شده توسط

صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی*“

مقدمه

۱- این پیوست چارچوبی را ارائه می‌کند که هدف از آن شناخت ساختار و روش‌شناسی گزارش‌های ارزیابی است که صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی برای گروه‌های ارزیابی خود توصیه می‌کنند. این گزارش مشتمل بر ۴ بخش است:

(۱) خلاصه گزارش مدیریتی

(۲) متن اصلی که شامل داده‌ها و اطلاعات به کار گرفته شده، روش‌شناسی و یافته‌ها می‌باشد.

(۳) ارزیابی میزان انطباق با هر یک از اصول محوری

(۴) پاسخ مقام نظارتی به ارزیابی‌های انجام شده

از آنجا که یافته‌ها از جزئیات استخراج می‌شوند، طرح‌های پیشنهادی ابتدا بر اساس ارزیابی اصل به اصل مورد بحث و بررسی قرار گرفته و پس از آن به ترتیب قسمت اصلی گزارش، پاسخ مقام نظارتی و خلاصه مدیریتی خواهد آمد.

ارزیابی اصل به اصل:

۲- این ارزیابی می‌بایست میزان انطباق با هر یک از اصول محوری و هم‌چنین در مواقع ضروری، انطباق با اجزای مربوط به هر اصل را مورد بررسی و تحلیل قرار

* این پیوست توسط کارکنان صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی تهیه شده و به عنوان مثالی از

فرآیند اجرای یک ارزیابی در این بخش آورده شده است.

دهد. همان‌گونه که در فصل پیشین اشاره شد، پیش از بررسی انطباق با اصول ۲ تا ۲۵ که عموماً به صورت جداگانه بدان پرداخته می‌شود، بررسی و تحلیلی با تفصیل بیشتر در مورد اصل اول ضرورت دارد. چنین الزامی، نقش پراهمیت آن را در ارزیابی میزان اثربخشی بالقوه فرآیند نظارت بانکی آشکار می‌سازد.

۳- گزارش‌های ارزیابی دارای یک مقدمه بوده که عموماً خود مشتمل بر دو بخش است: بخش نخست متضمن توضیحاتی پیرامون علایم اختصاری مورد استفاده نظیر مقام نظارتی، بانک مرکزی و قوانین و مقررات مرجع می‌باشد. در بخش دوم نیز می‌بایست نوع موسسات تحت نظارت و خدمات مالی که توسط آن‌ها ارائه می‌شود و هم چنین موارد ویژه‌ای پیرامون حدود ارزیابی تبیین شود. نظیر اتحادیه‌های اعتباری که گر چه تحت نظارت مقام نظارتی قرار دارند، لیکن به دلیل تاثیر ناچیز آن‌ها بر عملکرد نظام مالی مشمول ارزیابی نمی‌گردند. به علاوه، بهره‌گیری از معیارهای اضافی توسط ناظران در فرآیند ارزیابی می‌بایست به طور شفاف تبیین شود.

۴- ارزیابی هر یک از اصول محوری می‌بایست تحت عنوان مستقل به گونه‌ای که شماره اصل به صورت حروف برجسته و مفاد اصل به صورت حروف مورب باشد، ارائه گردند.

۵- هر فرآیند ارزیابی مشتمل بر دو بخش است (جدول ۱ نمونه‌ای از یک فرآیند ارزیابی را نشان می‌دهد). در بخش نخست، اطلاعات توصیفی درخصوص انطباق با هر یک از اصول مزبور و معیارهای مرتبط با هر یک (که در فصل پیشین به آن‌ها اشاره شد) ارائه می‌شود. گزارش با ذکر مواردی از قوانین، مقررات، رهنمودها و گزارش‌های مرتبط آغاز و سپس اطلاعات توصیفی دیگری هم‌چون سطوح کارکنان، ابزارهای نظارتی و مواردی مشابه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جدول ۱- نمونه ارزیابی

اصل ۶: بازرسان بانکی می‌بایست نسبت به تعیین الزامات احتیاطی و حداقل مناسبی از کفایت سرمایه برای کلیه بانک‌ها اقدام نمایند. این الزامات باید به انعکاس ریسک‌هایی بپردازد که بانک‌ها آن‌ها را پذیرفته و اجزای سرمایه را با توجه به قابلیت آن‌ها برای جذب زیان‌ها تعریف نمایند. حداقل، برای بانک‌هایی که در عرصه بین‌المللی فعال هستند، این الزامات نباید از آنچه که در توافق‌نامه سرمایه‌بال و اصلاحیه‌های آن معین شده است، کمتر باشد.

توضیح (وضعیت موجود): به موجب ماده ۹ قانون بانکی نسبت سرمایه موزون شده به ریسک نبایستی کمتر از ۸ درصد باشد. ماده ۱۰ قانون، چگونگی محاسبه حقوق صاحبان سهام* و سرمایه فرعی** و سرمایه مناسب*** را تعیین می‌نماید. این مقررات فقط بانک‌های دارای مجوز را که به صورت انفرادی در کشور فعالیت دارند در برمی‌گیرد و شامل گروه‌های بانکی فعال نمی‌گردد. هیچگونه الزامات سرمایه‌ای برای پوشش ریسک‌های بازار وجود ندارد. بانک‌ها می‌بایست نسبت کفایت سرمایه و اجزای مربوط به آن را به صورت فصلی به مقام نظارتی گزارش نمایند. در صورت کاهش نسبت کفایت سرمایه به کمتر از ۸ درصد، قانون، ناظران را مجاز به اتخاذ تدابیری موسوم "تشدید رویه‌های نظارتی" نموده است. در این روش، مقام نظارتی می‌تواند برای حفظ بانک و رقبایش، مجموعه‌ای از اقدامات - به عنوان مثال ابطال و فسخ مجوز فعالیت آن - را اعمال نماید.

* Own fund

** Subordinated capital

*** Eligible capital

ارزیابی: کشور مورد بررسی نتوانسته تمهیدات لازم را به منظور انطباق با الزامات مندرج در اصل ۶ فراهم سازد. گرچه برخی از معیارهای مربوط به این اصل حتی فراتر از نیاز برآورده شده، لیکن برخی از معیارهایی که از درجه اهمیت فزون تری برخوردارند، مورد توجه قرار نگرفته‌اند. الزامات کفایت سرمایه برای پوشش ریسک اعتباری منطبق با توافق نامه سرمایه بال بوده و برای کلیه بانک‌ها اعمال می‌شود. هم چنین این نسبت بالاتر از حداقل تعیین شده می‌باشد. ضمناً ساز و کار مشخصی به منظور انجام اقدامات نظارتی در صورتی که نسبت‌های مربوط به بانک‌ها از حداقل نسبت سرمایه کمتر شود، پیش‌بینی شده است. در این رابطه، بازرسی اذعان داشته که اقدامات نظارتی مزبور در چندین مورد اعمال شده است. گزارش‌های ارائه شده در خصوص نسبت‌های سرمایه از کفایت لازم برخوردار بوده و حاوی اطلاعات کافی می‌باشد. به رغم اینکه بیشتر بانک‌هایی که در عرصه بین‌الملل فعالیت دارند، در معرض ریسک بازار قابل ملاحظه‌ای قرار دارند، لیکن هیچ‌گونه الزاماتی برای پوشش چنین ریسک‌هایی وجود ندارد. در حال حاضر نیاز مبرمی به تدوین و تهیه مقررات، رهنمودها و فرم‌های گزارش‌دهی به منظور اعمال الزامات سرمایه برای پوشش ریسک‌ها احساس می‌شود. به علاوه، می‌بایست مهارت‌های ناظران برای اعمال نظارت بر چنین فعالیت‌هایی توسعه و تقویت گردد و سرانجام اینکه، الزامات کفایت سرمایه برای واحد یکپارچه بانکی وجود ندارد. نظر به افزایش شکل‌گیری گروه‌های بانکی در کشور، تدوین الزامات کفایت سرمایه می‌بایست در اولویت قرار گیرد. ارزیابی کلی دال بر انحراف و عدم انطباق با توافق نامه بال در دو مورد می‌باشد:

- فقدان هزینه سرمایه‌ای برای پوشش ریسک بازار

- عدم اعمال الزامات سرمایه در خصوص گروه‌های یکپارچه بانکی

به منظور حصول انطباق می‌بایست کاستی‌های مذکور در کوتاه‌ترین زمان ممکن و حداقل برای بانک‌هایی که در قلمرو بین‌المللی فعالیت دارند، برطرف شود.

۶- در بخش دوم، ارزیابی کیفی از میزان انطباق با اصل مشخصی از اصول ۲۵ گانه انجام می‌شود. این مهم با ارائه خلاصه‌ای از ارزیابی صورت پذیرفته آغاز می‌گردد. خلاصه گزارش ارزیابی ارائه شده بسته به نگرش ارزیاب پیرامون میزان انطباق با هدف نهایی هر یک از اصول ۲۵ گانه در ۴ گروه ذیل قابل طبقه‌بندی است:

منطبق، تا حدود زیادی منطبق، تا حدود زیادی نامنطبق، نامنطبق (برای اطلاعات بیشتر به بند ۱۶ رجوع شود). به منظور حصول انطباق کامل با هر یک از اصول، کلیه معیارهای ضروری می‌بایست بدون هیچگونه کاستی برآورده شوند. ممکن است مواردی نیز وجود داشته باشد که کشوری بتواند انطباق با یک اصل را از روش‌های دیگری محقق سازد. در مقابل، به دلیل شرایط خاص هر کشور این امکان وجود دارد که معیارهای ضروری همیشه برای نیل به اهداف اصل کافی نبوده و از این رو یک یا چند معیار تکمیلی به منظور قضاوت در خصوص میزان انطباق با یک اصل خاص توسط ارزیاب ضروری تلقی شود.

۷- ارزیابی کلی هم چنین می‌بایست متضمن مجموعه دلایلی که فرآیند ارزیابی بر اساس آن انجام پذیرفته، باشد. تا جائیکه ممکن و مرتبط است، دلایل مزبور می‌بایست دارای ساختاری به شرح ذیل باشند:

(۱) قوانین و مقررات بانکی و هم چنین سایر قوانین مربوط

(۲) مقررات احتیاطی شامل گزارش‌های احتیاطی و افشا عمومی

(۳) ابزارهای نظارتی

(۴) ظرفیت نهادی موسسات نظارتی

(۵) شواهد تقویت و یا عدم تقویت

نکته: موارد ۳ و ۴ در بسیاری موارد ادغام می‌شوند.

۸- به علاوه در فرآیند ارزیابی می‌بایست تصریح شود که چه هنگام و چرا انطباق با یک معیار خاص به حد کافی محقق نشده است. مثلاً هنگامی که اطلاعات خاصی ارائه نشود و یا اشخاص کلیدی به منظور تبادل نظر پیرامون موضوعات

مورد بررسی در دسترس نباشند. چنین درخواست‌ها و تقاضاهایی برای دریافت اطلاعات مورد نیاز و یا برگزاری جلسات می‌بایست به صورت مکتوب ثبت و ضبط شده تا مؤید تلاش‌های کافی ارزیابان برای ارزیابی یک معیار باشد. در چنین مواردی، ارزیابان باید خلأ اطلاعاتی مزبور را به عنوان شواهدی از عدم انطباق در نظر گیرند. هم چنین عملیات بانکی مهم می‌بایست در نظر گرفته شوند. به ویژه هنگامی که مباحث مرتبط با هر یک از اصول ۲۵ گانه تاثیر شگرفی بر ارزیابی انطباق با اصل دیگر داشته باشد. (نظیر کاستی‌ها در اصل ۸ - سیاست‌های ذخایر مطالبات سوخت شده - می‌تواند بر ارزیابی اصل ۶ پیرامون کفایت سرمایه تاثیر گذار شود).

۹- در مواردیکه کاستی‌ها و ضعف‌هایی شناسایی می‌گردند، عموماً ارائه توضیحات بیشتر مثمرتر خواهد بود. در توضیحات ارائه شده می‌بایست به موارد عدم انطباق اشاره شده، اهمیت نواقص مذکور و هم چنین اقداماتی را که بایستی برای پرداختن به مسایل مزبور اتخاذ یا پیش‌بینی نمود و برنامه زمانی که تغییرات باید براساس آن اعمال گردد، تبیین شوند*. با این وجود باید توجه داشت که ارزیابی همواره می‌بایست مبتنی بر وضعیت جاری صورت گرفته و تغییرات پیش‌بینی شده نباید به عنوان دلیلی برای تغییر ارزیابی تطبیقی محسوب شود. این بخش هم چنین ممکن است اضطرار و ضرورت یک سلسله اقدامات اصلاحی خاص را تصریح نماید.

* در پاره‌ای مواقع، ارزیاب ممکن است به استثناء یک مورد خاص سایر موارد را در انطباق کامل با اصول ۲۵ گانه ارزیابی نماید. در چنین مواردی ارزیاب می‌تواند چنین اظهار نماید: "اصل × به طور کامل ملحوظ نظر قرار خواهد گرفت هنگامی که ..." البته در این حالت نیز باید توجه داشت که استثناء مزبور از چه میزان اهمیتی در ارزیابی انطباق کامل برخوردار است.

متن اصلی:

۱۰- متن اصلی می‌بایست با مقدمه‌ای آغاز شود که مشتمل بر توصیفی از سازمان مورد بررسی بوده و در صورت امکان شرایطی که در آن ارزیابی انجام و یا درخواست شده‌است. (مثلاً به عنوان داده خام برای تدوین برنامه‌ای تفصیلی به منظور تطبیق کامل با اصول ۲۵ گانه). هم چنین این بخش می‌بایست سازمان اصلی مسئول برای انجام ارزیابی، افرادی که در این فرآیند مشارکت دارند، سازمان‌های مرتبط با آن‌ها و ویژگی‌ها و شرایط هر یک را مشخص سازد. به علاوه، در این قسمت بایستی اشاره گردد که گزارش مشتمل بر دو قسمت است:

(۱) متن اصلی متضمن نتایج و توصیه‌ها

(۲) ارزیابی اصل به اصل

۱۱- در بخش دوم می‌بایست اطلاعات اصلی استفاده شده در انجام ارزیابی به صورت اجمالی ارائه شود. این اطلاعات مشتمل بر مواردی همچون خود ارزیابی‌ها، قوانین مرتبط، مقررات و دستورالعمل‌ها، تبادل نظر با مقام نظارتی، دیگر ناظران محلی، وزارتخانه‌های دولتی مربوط، هم چنین بانکداران محلی، انجمن بانکداران، حساب‌برسان و دیگر مشارکت‌کنندگان در بخش مالی می‌باشد. هم چنین این بخش می‌بایست در بر دارنده اطلاعاتی که ارائه نشده‌اند، دلایل عدم ارائه چنین اطلاعاتی و نیز مسائل و مشکلاتی که می‌تواند بر صحت ارزیابی تاثیر گذارد، باشد. (نظیر ناظران یا بانکداران محلی که فاقد روحیه همکاری بوده‌اند).

۱۲- در بخش بعدی می‌بایست نتایج و رهنمودها ارائه شود. این بخش عموماً با مطالبی درخصوص پیش‌شرط‌های نظارت بانکی موثر در قالب عنوانی فرعی موسوم به "پیش‌شرط‌های نظارت بانکی مؤثر" آغاز می‌شود*. مطالب مطروحه در

*رجوع شود به فصل ۱، بندهای ۲۷ تا ۳۲.

این قسمت می‌بایست متمرکز بر ضعف‌ها و کاستی‌های مرتبط با این پیش‌شرط‌ها بوده و تا حد ممکن ابعاد ناشناخته و مشکلات را برای تطبیق با اصول محوری کاوش نماید. این مهم در سند اصول محوری دارای ساختاری به شرح ذیل است:

(۱) مباحث کلان اقتصادی

(۲) زیرساخت‌ها

(۳) نظم بازار

(۴) تحلیل مشکلات بانک‌ها

(۵) شبکه ایمنی عمومی

مباحث منتج از مشکلات مرتبط با پیش‌شرط‌ها ممکن است در بحث تطبیق با اصول خاصی نیز مطرح گردند.

۱۳- بخش بعدی تحت عنوان اصول ۲۵ گانه ارائه که خود مشتمل بر ۴ قسمت است. در دو قسمت نخست، خلاصه‌ای از متدولوژی استفاده شده ارائه شده و می‌بایست توأم با نکات ذیل ساختار یابد: "ارزیابی میزان تحقق اصول ۲۵ گانه یک علم نیست و چنین هدفی نیز مدنظر نبوده است. نظام‌های بانکی در هر کشوری متفاوت از دیگر کشورها بوده و شرایط و ویژگی‌های مختص خود را داراست. هم‌چنین، فعالیت‌های بانکی با شتاب بسیار در سراسر دنیا در حال دگرگونی بوده و نظریه‌ها، سیاست‌ها و اقدامات نظارتی به سرعت در حال تکامل می‌باشند. با این وجود، اصول محوری به عنوان حداقل استانداردها در سطح بین‌المللی پذیرفته شده‌اند. ارزیابی تطبیقی با هر یک از اصول محوری مبتنی بر روش‌های کیفی انجام می‌پذیرد.* بر این اساس، یک نظام ارزیابی ۵ بخشی

* ارزیابی کیفی از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. زیرا وجود ضعف و نقص عمده در خصوص هر یک از معیارهای مهم می‌تواند در ایجاد تردیدهای جدی برای میزان انطباق موثر شود.

استفاده می‌شود: منطق، تا حدود زیادی منطبق، تا حدودی نامنطبق، عدم تطبیق، نامناسب (غیرقابل اجرا). به منظور نیل به ارزیابی "انطباق" با یک اصل خاص، کلیه معیارهای ضروری بدون هرگونه تناقض قابل ملاحظه‌ای می‌بایست برآورده شوند. در پاره‌ای موارد، ممکن است کشوری بتواند نشان دهد که انطباق با یک اصل از طرق گوناگونی امکان‌پذیر می‌باشد. در مقابل، به دلیل شرایط خاص هر یک از کشورها، معیارهای ضروری ممکن است همواره برای نیل به اهداف یک اصل کافی نبوده و از این رو یک یا چند معیار تکمیلی و یا دیگر شاخص‌ها توسط ارزیاب و به منظور قضاوت در خصوص میزان تحقق "تطبیق" ضروری تشخیص داده شوند.

زمانی یک ارزیابی "تا حدود زیادی منطبق" ممکن می‌شود که صرفاً کاستی‌های بسیار کم اهمیتی مشاهده گردند و چنین ضعف‌هایی نتوانند موجب تردیدهای جدی پیرامون توانایی تصمیم‌گیرندگان برای نیل به اهداف یک اصل شوند. ارزیابی "تا حدودی منطبق" هنگامی محقق می‌گردد که مشکلات و نارسایی‌های موجود تردیدهایی را در توانایی تصمیم‌گیرندگان برای نیل به اهداف یک اصل موجب گردند. لیکن پیشرفت‌های چشم‌گیری نیز در سیستم مشاهده شود. در ارزیابی "عدم تطبیق" هیچ‌گونه پیشرفت قابل ملاحظه‌ای برای تحقق انطباق وجود ندارد. (به عنوان مثال، در مورد اصل ۲۰، بانک‌ها گزارش خود را به صورت یکپارچه ارائه نکنند و یا اطلاعات کافی برای امکان قضاوت قابل اتکا در خصوص میزان پیشرفت‌های واقعی برای تحقق تطبیق وجود نداشته باشد).

۱۴- قسمت سوم این بخش از اهمیتی اساسی برخوردار است. این قسمت با اشاره به نقش پراهمیت قوانین و مقررات در نظارت موثر بر این نکته دلالت دارد که چنانچه اقدامات نظارتی از استقلال، ظرفیت، شایستگی و انسجام کافی برخوردار نباشند، قوانین و مقررات مربوطه فاقد هرگونه اثربخشی خواهند بود و از این رو بر تحقق کامل اصل ۱ تأکید شده است. به علاوه، مقامات می‌بایستی تمایل و اراده جدی برای انجام وظایفشان داشته باشند. فراز پایانی این قسمت نیز بر این موضوع تمرکز دارد که تا چه حد پیش‌شرط‌ها برآورده شده‌اند.

۱۵- قسمت چهارم این بخش به مروری اجمالی بر ارزیابی کلی از انطباق با اصول ۲۵ گانه اختصاص دارد. در اولین جمله می‌بایست به این نکته اشاره شود که چه تعداد از اصول مورد ارزیابی واقع شده‌اند. هم چنین باید کلیه تلاش‌ها و فعالیت‌های در حال انجام به منظور نیل به تطبیق تبیین و وضعیت کلی از "انطباق" در صورت به سرانجام رسانیدن کلیه فعالیت‌ها تشریح گردد. هم چنین زمانی که فعالیت‌ها و اقدامات در جریان می‌بایست طبق برنامه به نتیجه برسند، بیان می‌شود. لیکن، ارزیابی کلی از میزان تطبیق نبایستی آورده شود.

۱۶- در بخش بعدی می‌بایست خلاصه‌ای از ارزیابی ارائه گردد. این مهم در ۷ بخش حسب درجه انطباق و فعالیت‌هایی که برای تحقق انطباق کامل در جریان هستند، آورده می‌شود.* بدین منظور اصول ۲۵ گانه تحت هریک از طبقات ذیل گروه‌بندی می‌شوند:

- عدم تطبیق و هیچ‌گونه تلاش و اقدامی در جهت تحقق انطباق انجام نمی‌پذیرد.
- عدم تطبیق و تلاش‌ها و اقداماتی به منظور تحقق انطباق صورت می‌گیرد.
- تا حدودی منطبق و تلاش و اقدامی در جهت تحقق انطباق انجام نمی‌گیرد.
- تا حدودی منطبق و تلاش‌ها و اقداماتی به منظور تحقق انطباق صورت می‌پذیرد.
- تا حدود زیادی منطبق و تلاش‌هایی برای انطباق کامل انجام نمی‌شود.
- تا حدود زیادی منطبق و تلاش‌ها و اقداماتی برای نیل به انطباق کامل صورت می‌پذیرد.
- منطبق.

۱۷- ارزیاب می‌بایست برای هریک از اصول ۲۵ گانه که تحت سرفصل مستقلی قرار می‌گیرند، شناسه‌های خاصی را در نظر گیرد که مشتمل بر موارد ذیل می‌باشد: شماره اصل، یادداشت توضیحی متضمن خلاصه اصول، شرح مختصری از

* در صورت لزوم گروه‌ها می‌توانند با یکدیگر ادغام شوند. مثلاً زمانی که اعمال تغییرات اندکی مدنظر باشد.

ضعف‌ها و در صورت امکان توصیف خلاصه‌ای از گام‌هایی که برای اصلاح مشکل می‌بایست برداشته شود. چنانچه مورد مشخصی وجود داشته باشد که اصل خاصی مشمول هیچ یک از طبقات مذکور نباشد، می‌بایست بدان در بخش چهارم اشاره شود. هم چنین در این حالت، ضرورتی ندارد که اصل مزبور داخل یکی از طبقات فوق‌الذکر جای داده شود. علاوه بر این روابط کلیدی مابین اصول نیز می‌بایست تبیین شود. ذیل‌اً مثالی از چنین وضعیتی آمده است:

“ تا حدود زیادی منطبق و تلاش‌هایی برای تحقق انطباق کامل انجام می‌شود.”

- اصل ۶ (الزامات سرمایه): همان‌گونه که در اصل ۱۲ اشاره شد، هزینه‌های سرمایه‌ای برای ریسک‌های بازار می‌بایست مشخص شود. مقررات مربوطه در حال تدوین بوده و اجرای کامل آن از آگوست ۱۹۹۹ برنامه‌ریزی شده است.
- اصل ۹ (سیستم‌های اطلاعات مدیریت): پروژه موجود ارزیابی سیستم‌های اطلاعات مدیریت بانک‌ها می‌بایست کامل شود. در حال حاضر پروژه آغاز شده و پیش‌بینی می‌شود تا پایان سال ۱۹۹۹ تکمیل گردد.

۱۸- در بخش پایانی، ارزیاب می‌بایست اولویت‌هایی را برای تحقق انطباق کامل با کلیه اصول ۲۵ گانه از جمله شاخص‌ها و معیارهای مرتبط با پیش‌شرط‌ها تدوین نماید. بیشترین تاکید و توجه می‌بایست بر زمینه‌هایی باشد که کاستی‌ها و ضعف‌هایی در آن‌ها شناسایی شده است. لیکن اقداماتی برای حصول انطباق کامل انجام نمی‌شود. از آنجا که ضعف‌ها می‌بایستی پیش‌تر مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته باشند، در این بخش صرفاً موارد فهرست می‌گردند. از این‌رو، این بند می‌تواند به شرح ذیل باشد:

“چنانچه برنامه‌های فعلی برای تهیه مقررات جدید، فرم‌های گزارش‌دهی، ارزیابی‌ها و غیره پیگیری می‌شوند، می‌بایست به اصول ذیل از اصول ۲۵ گانه نیز پرداخته شود.” (به ترتیب اولویت)

- اصل ۱۱: الزامات برای ریسک‌های کشوری و انتقال.
 - اصل ۵: اعلام قبلی سرمایه‌گذاری‌های عمده جدید.
- به علاوه، می‌بایست ضعف‌های مربوط به پیش شرط‌های ذیل مورد توجه قرار گیرند. (به ترتیب اولویت).
- قوانین مربوط به وثیقه.
 - مقررات حاکم بر تأیید حساب‌برسان

واکنش نظارتی:

۱۹- به رغم اینکه ارزیابان دارای مسئولیت انحصاری برای نتایج هر ارزیابی می‌باشند، لیکن موسسه نظارتی که ارزیابی می‌شود از این فرصت برخوردار بوده که به یافته‌های فرآیند ارزیابی پاسخ دهد. ارزیابی می‌بایست یک فرآیند مشاوره‌ای واقعی بوده و از این‌رو تیم ارزیابی بایستی به دفعات با ناظران طی دوره ارزیابی به تبادل نظر بپردازند به گونه‌ای که یافته‌ها و نتایج متضمن دیدگاه‌ها و نگرانی‌های ناظران نیز باشد. از موسسه می‌بایست درخواست گردد تا پاسخی مکتوب و اجمالی برای یافته‌ها و نتایج تهیه نمایند. ضروری است این پاسخ در گزارش ارزیابی آورده شود. هرگونه اختلاف نظر در خصوص نتایج ارزیابی می‌بایست به طور شفاف تبیین شود. از طرفی لازم است متن کامل پاسخ به گزارش ارزیابی پیوست شود.

خلاصه گزارش مدیریتی:

۲۰- هر گزارش ارزیابی می‌بایست با یک خلاصه گزارش مدیریتی آغاز شود. در بند نخست باید تصریح شود که گزارش متضمن ارزیابی تطبیق با اصول ۲۵ گانه بوده است. هم چنین افرادی که گروه ارزیابان با آن‌ها مصاحبه داشته، قوانین، مقررات و دیگر اطلاعاتی که مورد استفاده قرار گرفته‌اند، مشکلات و مسائلی که

گروه مذکور حین ارزیابی‌ها با آن‌ها مواجه شدند، تاثیر مشکلات مذکور در گردآوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز و عدم همکاری‌های مناسب می‌بایست در این بخش اشاره شوند. هم چنین ضروری است در پی‌نوشت، نام سازمانی که گروه ارزیابان تحت هدایت و استخدام آن‌ها هستند، آورده شود.

۲۱- در بند بعدی می‌بایست به دیدگاه‌های ارزیابان در خصوص قابلیت‌ها و امکانات سیستم نظارتی محلی اشاره شود. هم چنین دیدگاه کلی ارزیابی پیرامون توانایی و تمایل مقام نظارتی برای ایفای تعهدات و الزاماتش و امکان انطباق با اصول ۲۵ گانه در این بخش ذکر می‌گردد. به علاوه باید تلاش‌هایی که برای پوشش خلاءهای موجود در انطباق با اصول در حال انجام هستند، آورده شود. موارد مذکور می‌بایست به صورت کیفی ارائه شده و نباید از ارزیابی کلی در خصوص تطبیق در این بخش سخنی به میان آید.

۲۲- در بندهای بعدی به مرور اصولی که مورد توجه قرار نگرفته و رعایت نشده‌اند، پرداخته می‌شود. هم چنین به نقاط قوت کلیدی سیستم نظارتی اشاره می‌گردد. لازم است در حد امکان شرح مختصری از دلایل عدم انطباق گفته شود. به ویژه در مورد اصولی که تحت عناوین "تا حدودی منطبق" یا "عدم انطباق" طبقه‌بندی شده‌اند. به علاوه، گروه‌بندی اصول، بر حسب این که به نقاط ضعف و کاستی‌های آن‌ها پرداخته شده یا خیر، می‌تواند مفید فایده واقع شود.

۲۳- در بند ماقبل آخر می‌بایست خلاصه‌ای از وضعیت فعلی انطباق با اصول ۲۵ گانه آورده شود. هم چنین به میزان تطبیقی که در صورت به نتیجه رسیدن تلاش‌ها و اقدامات جاری طبق پیش‌بینی‌ها قابل تحقق خواهد بود، اشاره می‌شود. به علاوه می‌بایست اصولی که انتظار می‌رود بنا به برنامه کاری در جریان مقام نظارتی هم چنان رعایت نگردند، فهرست شوند. دیدگاه ارزیابان نیز در خصوص اولویت پرداختن به اصول در این بخش ذکر می‌گردد.

۲۴- بند پایانی متضمن خلاصه‌ای از پاسخ موسسه(های) نظارتی ارزیابی شده به نتایج و یافته‌های ارزیابی می‌باشد.

ماخذ:

**Core Principles Methodology, Basel Committee on Banking
Supervision, Basel, October 1999**

استفاده از مطالب این مجموعه با ذکر ماخذ بلامانع است.

